

زمندگان

مجاهدین خلق و مسئلہ خلقها

راه کارکر : دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی!

نگاهی به 'بیانیه' و حدث (۲)

در شما ره ۱۲ "رزمندگان" مقالسه
برخورده "بیانیه وحدت" رفقای
"وحدت انقلابی" با یک تیترا منا -
سب به چاپ رسیده بود که موجب
"سوء تفاهات" شده و به برخوردی غیر

کارگران جهان متحد شوید!

بنیه از صفحه ۱.

که عملاً در این شرایط به دو تاکتیک متفاوت میتوان رسید که یکی متعلق به راهکار گراست: "افشاء - مقاومت" و دیگری متعلق به شیوه اصولی مارکسیستی است: "تابودی - افشاء مقاومت".

راهکار گرا در ادامه راهش تا - کتیک خود میگوید:

"تنها راه مبارزه با امپریالیسم سازمان دادن و متشکل کردن کارگر - ان و زحمتکشان کشور است. نطفه های این شکل هم اکنون وجود دارد. باید آنها را گسترش و عمق و تکامل داد و

کارگران و دهقانان "بودند، لینن آنها را مرکز قدرت پرولتاریا میداد - و چنین نیز بود. زیرا که این شور - اها مسلح نیز بودند و در برابر قدرت بورژوازی قرار داشتند. آنها نه فقط کنترل تولید و کم مدیریتست سرمایه را در دستور کار خود قرار داده بودند، بلکه تجلی قدرت طبقه کارگر و توده های زحمتکش بودند. و آنها قدرتی، در درون قدرت دوگانه نبودند، یعنی یک طرف این قدرت، یعنی قدرت کارگران و دهقانان در برابر قدرت بورژوازی محصور

راهکار گری برعکس درک روشن - م. ل. در این مورد، اظهار میدارد: "شورا گذشته از هر چیزی تفاوت اساسی با سندیکا دارد. اگر سندیکا در چهار چوب مناسبات سرمایه داری بر سر قیمت نیروی کار راجانه میزند، شورا در جهت شکستن این چهار چوب و جایگزین کردن نظم نوین بجای نظم کهن در تولید و روابط موجود در کارخانه حرکت میکند. شورا به اساسی ترین حق سرمایه دار یعنی مالکیت خصوصی تعرض میکند. راهکار گرا ۲۱ - تاکید زماست.

تشکل پرولتاریا حول تولید، و به - حول محور بدست گرفته کنترل تو - لیدر موسسات توسط کارگران جر - یان دارد. این همان پروژه ایست که بعد از قیام آغاز شده و هنوز ادامه دارد و تا وقتی که این شرایط چه در جهت انقلاب و چه در جهت ضد انقلاب تغییر نکرده باشد، به حرکت خود ادامه میدهد. پس بردن شعار کنترل تولید و جنبه های دیگر آن به درون مبارزه - ات کارگران اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قبال طبقه کارگر است. ما بعد از مبارزه ضرورت طرح این شعار و تمام جوانب و پیچیدگی های

راهکار گری: دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی؟

به دیواری در برابر تهدیدات آمریکا مبدل ساخت شوراهای کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان، شوراهای پرسنل انقلابی نیروهای مسلح شوراهای دانشکاهها و مدارس، تنها شکل توده ای انقلابی مردم مادر شرایط کنونی هستند و نمیتوانند تکلیف ملیابند. با تمام نیروها و در جهت تقویت این شکل های انقلابی که بازمانده روزهای قیام پرشکوه خلقمان هستند، تلاش کرد. از این طریق میهنمان را میتوانیم در برابر دشمن امپریالیست به سنگر تسلیم ناپذیر تبدیل کنیم.

راهکار گری - شماره ۲۲، ص ۶

این شکل های "توده ای و انقلابی" بازمانده "از روزهای قیام" موضوع مجادلات یکسال پیش جنبش کمونیستی ایران بوده اند. نتایج آن مشاجرات، این بود که شوراهای کارخانه و... ارگانهای قیام توده ای محسوب نمیشوند. شوراهای ما "تشکل هایی" هستند که در چهار چوب نظام فعلی حداکثر به مثابه سند - یکای پیشرفته عمل میکنند که در چهار چوب حاکمیت سرمایه مرکنترل تولید را - آنها هم در بعضی از شوراهای کارخانه ها - درست دارند. اما به - خردی که راهکار گری به این شوراهای میکند انسان را به دشواری های کاری در روسیه میاندازد. شوراهایی که پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ به مثابه ارگانهای قیام توده ای تشکیل شدند و عملاً ستونی از "دیکتاتوری

میشوند. آنها شوراهای بازمانده رو به تکامل قیام در فوریه بودند. ارگان شکل توده ای و انقلابی بودند.

اما شوراهای کارگری ما، و شوراهای دیگر زحمتکشان از چنین مشخصاتی برخوردار نیستند. و هر جا که از چنین قدرتی برخوردار بودند، مثلاً شوراهای دهقانی ترکمن صحرا حکومت با توپ و تانک به سرانغ آنها سارفته. وقتی راهکار گری به ادگی این شوراهای انقلابی خطاب میکند، و آنها را اتحاد رگبان سیاسی ارتقاء میدهد، دچار این انحراف میگردد که شکل اقتصادی انحراف سیاسی تلقی کرده و "همان مبارزه اقتصادی را" سیاسی و لاجرم آنرا شکننده چهار چوب نظام سرمایه داری میدانند. (ر. ج. ضمیمه راهکار گری - شماره ۲۱)

همان نقشی را که شوراهای موجود در کارخانه ها و ادارات و سایر موسسات در ایران بعد از قیام ایفا میکردند، تردیونیونها یا انگلیسی در رابطه با موسسات صنعتی بعدها دارند و همچون شوراهای کارخانه ها ایران برای مور تولید کنترل دارند. اما هیچ م. ل. می بدهنش خطور نمیکند، که شورای کنترل یا کمیسیون کنترل، یا کارگر دکنترل موسسه سرمایه داری را به توسط کارگران و کارکنان امری درجه نیست شکستن چهار چوب سرمایه داری تلقی کند. (۱)

ممکن است، خواننده بگوید اشکالی ندارد، و البته که شوراهای کارگری در جهت شکستن چهار چوب سرمایه داری و نظم آن حرکت میکنند بلکه شوراهای کارگری که در روسیه در ۱۹۰۵ و در ۱۹۱۷ وجود آمدند، و لنین و بلشویکها تجربیات آنها را جمع بندی نمودند، البته در جهت شکستن چهار چوب و نظم سرمایه حرکت میکردند. اما شوراهای موجود ایران نه! شوراهای روسیه چنانکه گفتیم ارگانهای قیام بوده، و مضمون عمدتاً سیاسی و اداره امور مستقل از نظم موجود داشتند. در حالیکه شوراهای کارخانجات و ادارات ایران بهیچوجه مضمون عمدتاً سیاسی و اداره امور را بطور مستقل از نظم موجود نداشتند - منهای برخی از شوراهای ترکمن صحرا و کردستان - وقتی در پیشرفته ترین حالات که اداره موسسه را خود به عهده میگرفتند، باز از چهار چوب مقررات و نظم موجود خارج نمیشدند باز خواننده ممکن است بگوید که منظور راهکار گری شوراهای موجود نبوده است. البته ما هم انتظار داشتیم و خوشحال میشدیم که منظور راهکار گری از "تشکل های توده ای انقلابی" بازمانده قیام "که" در جهت شکستن چهار چوب مناسبات سرمایه داری "شوراهای موجود نباشد" ما ناچاراً می شود کرد که علیرغم تاسف ما و ناچاراً حتی خواننده "راهکار گری" چنین گفته است:

"بدین ترتیب در شرایط فعلی

آن بحث خواهیم کرد ولی مقدمتاً تاکید میکنیم که ما جوهر وجهت مبارزه کارگران را بعد از قیام حول این مسئله بنیادی ارزیابی میکنیم "راهکار گری ۲۱، تاکید دوم و سوم ازماست.

و، که چه مهملائی بنا مآموزش م. ل. و چه رهنمودهای انحرافی و خطرناکی تحویل جنبش م. ل. و طبقه کارگر میشود. این مارتینف و کمر - یچفسکی هستند که قلم میزنند و "راهکار گری" این نادانان است که اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قبال طبقه کارگر "بردن شعار کنترل تولید" بهمان آنها میداند، یا راهکار گری؟ "راهکار گری" اولین وظیفه جنبش کمونیستی را در قبال طبقه کارگر بدین خاطر انچنان ارز - یایی میکنند که "جوهر وجهت مبارزه کارگران را بعد از قیام حول مسئله شوراهای میدانند. البته شکی نیست که مبارزه کارگران بخاطر شوراهای نقش برجسته ای در مبارزات کارگر - ان بعد از قیام داشته است" و البته با دید فکر گسترش و تعمیق آنها بود. اما اینکه "جوهر وجهت" مبارزه کارگران بطور خود بخودی چیست، و "جوهر وجهت" مبارزه حقیقی کارگران کدام است، دو مسئله بسیار مهم میباشد که یکی از آنها مبنای حرکت اکونومیستها و از جمله مار - تینف بود، و میباشد، و دیگری مبنای حرکت لنین و م. ل. ها. "جوهر وجهت"





راه کارگر...

سیاسی کارگران با هیات حاکمه ضد انقلابی نباشد، و در عوض مبارزه اقتصادی پیشرفته را به طبقه کارگر تجویز نماید، و حداکثر مبارزه سیاسی و از جمله وظیفه میرم ایجا د حزب کمونیست را مختص کمونیستها بداند، نه طبقه کارگر!

اما از همه مهمتر عدم توجه به رهبری این شکل های "توده ای و انقلابی" است. این شکل ها عمدتاً رهبری انقلابی ندارد، شما میخواهید آنها را تعمیق و توسعه دهید؟ بسیار خوب! باید با حکومت و با نیروهای ارتجاعی بطور کلی در بیفتید. تعمیق و توسعه برخلاف مبهم گویی راه کارگر مفهوم روشنی دارد و آن عبارتست از زیر نظر و به رهبری انقلابیون در عمل درآوردن! این کار به معنی درگیری واقعی با حکومت و با نیروهای ارتجاعی است. مگر آنکه راه کارگر منظورش از توسعه و تعمیق، قبول وضع موجود به مثابه به مثابه شوراهای "انقلابی" باشد. شوراهایی مملو از مرتجعین و سه جانی ها و حزب جمهوری اسلامی و... باید این شوراهای را در مبارزه به شوراهای واقعی که ابتکار عمل را بدست بگیرند و خود بخود از حالت شوراهای مشورتی کنونی خارج شو. و دوم مستقیماً جنبه طبقاتی بخود بگیرند، تبدیل کرد.

حکومتی که کارگران را اعتباری و متحمن را به گلوله میبندد، که دهقان انقلابی را مورد هجوم قرار میدهد، و شورای انقلابی زحمتکش کرد و ترکمن را از بین میبرد، که بر علیه شوراهای دانشجویی "انقلاب فرهنگی" برآمده اند، به همین سادگی و با تاکتیک (افشاء - مقاوم - مت) تن به چنین توسعه و تعمیقی نخواهد داد. شما راهی جز درگیری با آنان ندارید! مگر آنکه!

مگر آنکه راه کارگر همین شورا - های فعلی را تجلی حقیقی شکل توده ای و انقلابی بحساب آورد، که بحساب مبارز و اهداف کنونی این شکل ها را همان مبارزه ضد امپریالیستی (در جهت آن و یا غیره) تلقی کند، و چنین تلقی میکند. و سر

مبارزه کارگران بعد از قیام "البته حول مسئله شوراها بوده است اما از نظر کمونیستها "جوهر و جهت" مبارزه کارگران بطور حقیقی و در درجه اول باید تلاش در راه تشکل و بسیج سیاسی باشد. مگر آنکه بگوئیم مبارزه کارگران باید عمدتاً اقتصادی باشد! - البته مبارزه در راه گسترش و تعمیق شوراها یکی از راه های دنبال کردن مبارزه حقیقی کارگران در این مرحله است. اولین وظیفه جنبش کمونیستی در قبال طبقه کارگر ایجا د حزب کمونیست میباشد. نه بردن شعار شوراها - بمان آنها. بخصوص که شعار شوراها دیگر امر پیش پا افتاده کارگران است کارگران نه تنها شوراهای کنترل تولید را در بسیاری کارخانه ها برپا کرده اند، بلکه حتی چند قدمی جلوتر از آنچه "راه کارگر" میبیند رفته اند و شوراهای مدیریت را در بعضی کارخانه ها دایر کرده اند. شاید از نظر "راه کارگر" آنها چپ روی کرده اند! البته تلاش در راه گسترش و تعمیق شوراهای کارخانه ها و ایضا موسسات دیگری از وظایف مهم البته تلاش در راه گسترش و تعمیق شوراهای کارخانه ها و ایضا موسسات دیگری از وظایف مهم کمونیستهاست، اما باید توجه داشت که اولین وظیفه جنبش کمونیستی آنها در قبال طبقه کارگر، توجه به بردن شعار شوراها و کنترل تولید نیست. این، هیچ نیست جز دنباله روی از مبارزه خود بخودی توده ها و تشویریز کردن همان مبارزه خود بخودی آنها. این هیچ نیست جز محدود کردن کارگران به مبارزه اقتصادی. وقتی راه کارگر در قبال طبقات حاکم و حاکمیت ضد انقلابی آنچنان برخورد میکند، که به یکباره در برابر روی هجوم امپریالیستها سیرمیا نندازد، و در دروویی انقلاب و ضد انقلاب را فراموش میکند. و خود پرولتاریا را در موضع مبارزه قاطع بر علیه امپریالیسم و حاکمیت ضد انقلابی آماده و مستحکم نمیسازد، طبیعی است که هرگز بفکر دروویی

انجام مگر آنکه شوراهای کارگری دهقانی انقلابی را خارج از متن مبارزه بر علیه بورژوازی و زمینداران ببیند که چنین نیز هست راه کارگر در در همین رابطه مینویسد:

"شوراهای کارخانه باید به مردم نشان دهند که راه واقعی قطع وابستگی و مبارزه ضد امپریالیستی همین مبارزه - یعنی "مبارزه برای کنترل تولید"، رزمندگان است و یا اینکه با حروف درشت مینویسد: و در واقع شعار میدهد: "تنها با کنترل تولید از طریق شوراهای واقعی کارخانه است که میتوان با وابستگی و محاصره اقتصادی جنگید". راه کارگر این عبارات تمام ادعاهای گذشته "راه کارگر" مبنی بر جدا نمودن وابستگی از سرمایه داری و سیاست از اقتصاد را بپوش و تهی میسازد. و هر خواننده ای را که کمترین اطلاع از نوشتجات "راه کارگر" داشته باشد، عبرت زده خواهد کرد. حال آنکه بنظر ما جای حیرت ندارد و بلکه "راه کارگر" کهنه نظراتش را تدریجاً عیان میکند.

آنچه که راه کارگر شوراها را بدین متصف میکند - متنی بری نیست اکونومیستی و تسلیم به جریان خود بخودی است. به جای اینکه موضوع رعب و کوشش کمونیستها در قبال گرفتن برراس جنبش و ارتقاء مبارزات کارگری به حدیث مه پرتو لاریایی در شرایط کنونی طرح گردد، به جای آنکه بر نقش کمونیستها و رهبری آنها در این مبارزه تاکید شود، تنها به تاکتیک "تقویت، تعمیق و گسترش" شوراهای ارتباط با جنبش کارگری و کلا جنبش توده ای اکتفا میگردد چرا؟ زیرا هدف همچنان تحولات درون سیستمی، تحولات مربوط به دفاع از میهن است. پرولتاریا در این شوراها و تشکل ها نه بر ضد طبقه ای در داخل ایران بلکه بطور برجسته ای بر ضد امپریالیسم سازمان داده میشود. و اقدامات ضد انقلاب تنها برای وی افشاء میگردد و با مقاومتی در برابر ضد انقلاب از ناحیه او سربازان در زیرا موضوع مبارزه ضد امپریالیستی

چهار جوب مبارزه طبقاتی را در تئوری راه کارگر در "کجا ایستاده ایم" درهم شکسته است و روحیه تمام خلقی خفه کننده ای را بر نویسنده عالمقدر مقاله مستولی کرده است. این تاکتیک، جلوه دیگری از همان تاکتیک اصلی "مقاومت - افشاء" است. میبینیم که تاکتیک "افشاء - مقاوم" چگونه مبارزه طبقاتی را بفرا موشی سپرده و چگونه حتی در سازمان ندهی طبقه کارگر خود را نشان داده است.

به آخرین سخن آنچه که گفتیم ما را را ساختار میکند که در شرایط پیچیده کنونی جدا دوتا تاکتیک جدا گانه به منصفه ظهور رسیده و میرسد. یک تاکتیک توده ها را بر علیه سیستم موجود و امپریالیسم متجاوز هدایت میکند. تاکتیک دیگر منشور ضد امپریالیسم را میبیند و تنها بر علیه امپریالیسم اعلام جنگ میکند. یک تاکتیک مبارزه ضد امپریالیستی را نیز طبقاتی میبیند، تاکتیک دیگر مبارزه طبقاتی را تحت الشعاع آن قرار میدهد. تاکتیک اول (نا - بودی - مقاومت - افشاء) بر اساس ضد انقلاب معین که آنرا نشان میدهد، میباش. تاکتیک دوم (مقاومت - افشاء) بر اساس نوع ضد انقلاب بدون نشان دادن آن است. بدین ترتیب تاکتیک دوم که تعلق به راه کارگر دارد، دفاع از میهن را بشکلی پوشیده و نویسن تشویریز میکند. ما نیز از "میهن" خود دفاع خواهیم کرد! اما نه به مثابه کل اهالی میهن در برابر امپریالیسم متجاوز، بلکه به مثابه ملت بدون بورژوازی که متحد امپریالیسم است و با خط بند و استقلال نسبت به جناح های ضد انقلاب!

ما نیز از میهن خود دفاع خواهیم کرد. اما نه با "شوراهای توده ای و انقلابی فعلی" که از قیام بازمانده اند! بلکه با شوراهای انقلابی کارگران، دهقانان و سربازان در

راه کارگر...



مقابل امپریالیسم و متحدین داخلی اش! مانده تنها برای قطع نفوذ امپریالیسم و از بین بردن سرمایه انحصاری وابسته بلکه برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته و قطع کامل نفوذ امپریالیسم در ایران مبارزه میکنیم! اینست برنامه پریولتاریایی دفاع از میهن بهنگام تجاوز امپریالیست ها!

اینکه ما چگونه اینکار را عملی خواهیم کرد البته مسئله جداگانه ای است و تابع شرایط خاص خود نیست میباید ما تا حد امکان آنرا توضیح دادیم! اما عزم راسخ ما را در آنرا که چنین استراتژی ای، در مقابل استراتژی اثناعشریافته بورژوازی ده بورژوازی "دفاع از میهن" هیچ چیز نمیتواند دچار خلل کند. زیرا ما برای پیروزی حقیقی، برای نابودی سیستم موجود می جنگیم! و این جنگی است که توده ها خواهان آن هستند! در هیچ جای دنیا کسوس نیست حتی در شرایط تجاوز مستقیم امپریالیست ها! امپریالیست ها خود را افراد موش نموده اند. اتحاد های تاکتیکی، استراتژی آنها را دچار گرگورونی نکرد. بلکه آنرا یک گام به پیش راند! آیا لازم است مثال های ویتنام - چین - ... را تکرار کنیم. آیا مبارزه خلق چین بر علیه امپریالیسم همراه نابودی جامعه نیمه فئودال - نیمه مستعمره نبود؟ آیا ...

جایی که راه کارگر ایستاده است چندان جای محکمی نیست، از لحاظ مارکسیستی و مبارزه طبقاتی واقعا سست است.

همان جایی است که روزگاری انترناسیونال دوم بهمین صورت کم و بیش بر آن ایستاده بود. در آن موقع البته مسئله فرق داشت. در آنجا مسئله جنگ امپریالیست ها با هم بود در اینجا جنگ میان امپریالیست ها و متحدین داخلی آنها و خلق خواهد بود. ضد انقلاب شکافته و دوباره میگردد. و جناحی از آن متحد امپریالیسم و جناحی از آن در

تضاد با امپریالیسم قرار میگیرد. خلق سیستم موجود امپریالیسم متجاوز را با هم باید نابود کند. در آنجا در انترناسیونالیست ها "بنا" فراموش کردن ماهیت طبقاتی جنگ "به دفاع از میهن و کنار گذاشتن انقلاب" کشیده شدند. در اینجا بنا گذاشتن مبارزه طبقاتی در پشت منشور ضد امپریالیستی، با نادیدن توسعه حقیقی جنگ و دیالکتیک آن در ارتباط با کل جنبش انقلابی و هیات حاکمه ای که خود به دوجر مدافع و مخالف امپریالیسم تجزیه میگردد دفاع از میهن، به طریقی نومطرح میگردد.

ما همچنان استراتژی انقلاب را استراتژی اصلی و مطمئن کمونیستی میدانیم. این استراتژی نشیب و فرازهای متفاوتی را طی خواهد کرد. اما علی رغم همه! اتحادها و همه تاکتیک ها جزئی و فرعی، استراتژی، نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و قطع کامل نفوذ امپریالیست ها است. لنیسم در توصیف وضعیت طبقاتی و مبارزه طبقاتی در اوضاع مشابه ما میگوید:

"ما به عنوان افراد کمونیست باید از جنبشهایی آزادبخش بورژوازی در کشورهای مستعمراتی فقط در مواقعی که این جنبشها واقعا انقلابی هستند، زمانیکه نمایندگان آنها سوار ما در آموزش و مشکل کردن دهقانان و توده وسیع استثمارشوندگان با روحیه انقلابی نمیگردند، پشتیبانی کرده و خواهیم کرد و اگر این شرایط موجود نباشد، آنگاه کمونیستها باید علیه بورژوازی رفرمیست که قهرمان انترناسیونال دوم بدان تعلق دارند، در آن کشورها مبارزه نمایند". لنیسم جلد ۱ کلیات ص ۶۷ - ۲۶۶ تاکید از ما است.

ما به عنوان افراد کمونیست وظیفه داریم، توده ها را حول آن اساسی ترین مسائل، حول آن جریانهای که راه را برای انقلاب ویرای پایان بخشیدن به وضع موجود همواره میکند، بسیج نمائیم. ما

وظیفه داریم شرایط مشخص را واقعا آنطور که هست بررسی کنیم. نه ما - شنداپورتونیستها، این خائنین به انقلاب، تا اولین جرعه از تغییر شرایط در آینده پدیدار گردیده خود را بهایزیم. و فریاد برآوریم: ایها الناس همه با هم! همه با هم حصول مبارزه با امپریالیسم متحد شویم! شرایط کنونی به ما حکم میکند، و این حکم را هر انسانی عاقلی که جس لامسه قوی داشته باشد درمی یابد، که نباید لحظه ای مبارزه ای توده ها را بر علیه هیات حاکمه ضد انقلابی تخفیف داد، بهکمک پدیدار انقلاب اینک از ناحیه همین هیات حاکمه میباید شد. هرگاه امپریالیسم به ایران تجاوز نماید که ما مفعلا شرایط آنرا بررسی کردیم: آنگاه نیز ما هرگز اصرار کسب قدرت، امر انقلاب، امر مبارزه طبقاتی و رهبری پریولتاریا را بطور عملی فراموش نخواهیم نمود. اینست آنچه یک کمونیست بدان میاندیشد. ما تاکتیک خود را در جهت تغییرات حاصله اوضاع سیاسی آینده و در ضد انقلاب حاکم تغییر میدهیم. اما همچنان استراتژی خود را محفوظ خواهیم داشت. اینست آموزش لنین!

آنچه که وضعیت ما را تعیین خواهد کرد، آنچه که به ما نشان خواهد داد چه سمت و چگونه میرویم سرانجام و اساسا مبارزه طبقاتی میباید شد، عوامل دیگر در تشدید، تخفیف و تغییر شکل آن تاثیر دارند، کسیکه نقش این عوامل را تا بدان حدیالایب برد که خود مسئله را تحت الشعاع قرار دهد، کسی است که عملا به بیماری عمومی همه اپورتونیستها، دچار گردیده است.

ع- پس از پایان!

اینک این نوشته تمام شده است و راه کارگر در طی دوهفته متوجه خطای سیاسی آشکار خود گردیده و در مقاله حضور امپریالیسم در مبارزه طبقاتی "کوش کرده است بطریق خود را از زیر پران برهاند.

آنها استدلال های فراوانی آورده اند تا نشان دهند همچنان مبارزه طبقاتی بر عملکرد طبقات حاکم است و مبارزه ضد امپریالیستی را نمیتوان از این قاعده مستثنی کرد. انتقادی که در حقیقت به "درک ایستاده ایم" وارد است. اما نویسنده سرانجام دوباره در همانند اسیر گردیده است. آنها کوشش میکنند بنحوی مطلوب این دوا مسئله را با هم ترکیب کنند. آنها که در مفهوم طبقاتی حاکم سیاسی کنونی و رابطه دوجناح ضد انقلاب در بلوک سیاسی حاکم از سرحد ایها م توده نیز در گذشته اند، باز هم مارینچ میان مواضع گوناگون حرکت میکنند: اما حقیقت آنگونه که "شاه لیر" میگوید همچون سگی است که به لانه اش خزیده است. ما آنرا با ضرب واقعیات بدر خواهیم آورد. مقاله میخواهد نشان دهد که اینگونه به مسئله مینگرد (در حقیقت انتقادی عجولانه، چه بسا مخفیانه به راه کارگر ۱۲۲ است) اما دوباره حکم خود را بر زبان دیگر تکرار میکند.

* * *

توضیحات:

۱- لنین در این رابطه مینویسد: "اگر کمیسون کنترل امور مالی و تجاری و کارخانه ها در هم در یک ارگان واحد متشکل شوند، قدرت کارگران در برابر کارفرمایان و اقامات خود سرانه و آژند آن باز هم بیشتر خواهد شد" لنین: درباره سندیکای طبقاتی.

۲- بلکه ارگان کنترل تولید قدرت کارگران را در برابر سرمایه داران افزایش میدهد، نه اینکه چهارچوب مناسبات سرمایه داری را درهم بشکند.

نگاهی به بیانیه وحدت

قسمت آخر

توضیح :

در نقل قولی که از پاراگراف هدف اصلی از آوردن این نقل قول چهارم "بیانیه وحدت" آورده شده به خصوص برخورد به همان کلمات است. کلمات "محو یا یگا ههای" تلم افتاده است (!) چنانچه در اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آن "مقاله بلافاصله بعد از نقل قول" "پایگاههای اجتماعی، اقتصادی ادعایی که رفقای "وحدت انقلابی" و سیاسی امپریالیسم" مورد دربر خورده همین قسمت از جزوه ای که قبلا از سوی ک. ن. منتشر شده بود. از قلم اقتاده سهوا و در اثر عدم کرده اند، این اشتباه هیچ وجه عمدی نبوده است. بلکه در واقع ولایعیر.

از دو گرایش فوق به نوبت قلم را بدست نقطه نظر مقابل داده تا با رعایت اصول عقاید طرف دیگر به تشریح گرایش خود بپردازد در آخر همگی را راضی و خوشحال از برآورده شدن مقصود نموده است - در مجموع طرح خوبی نیست. بیانیه در توصیف اپورتونیزم راست میآورد:

۱- "هیات حاکمه را دارای خطی دوگانه میداند و با آنرا به جناحهای ارتجاعی و مترقی تقسیم میکند."

۲- "حمایت بخشهای وسیعی از مردم از هیات حاکمه را که ناشی از توهم و امید توهمها نسبت به هیات حاکمه میباشد دلیل وجود طبقات و اقشار خلقی در حکومت میباشد."

(نقل قولها از پاراگراف ۲۱)

بیانیه توجه ندارد که این توصیف به نظر غالب بر بیانیه نیز میرسد. چرا که این نظریه محدود نمودن طبقات ضد انقلابی به اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم و با طرح عمده بودن دشمنی امپریالیسم آمریکا بخاطر دفاع از این اقشار و طبقات، و با تصویر عملکردهای حاکمه (یا جناحهای آن) بصورتی دوگانه که همبسته حفظ منافع آن ضد انقلاب و همبسته مبارزه با امپریالیسم آمریکا بر میخیزد، خود عملا برخوردی دوگانه به حکومت اختیار نموده است.

اگر بیانیه واقعا معتقد بود که هیات حاکمه از "جناحهای ارتجاعی و مترقی، تشکیل شده و کلا ارتجاعی است، و" طبقات و اقشار خلقی در حکومت "وجود ندارند، آنگاه هیات حاکمه ای که به زعم خود بیانیه "اساسا بورژوازی" است رانه تنها بخاطر دفاع از اقشار فوقانی بورژوازی و بقایای فئودالیسم بلکه بخاطر دفاع از منافع طبقات کسب بورژوازی ضد انقلابی قلمداد میکرد، اگر بیانیه واقعا در بطن خود، بر برخورد دوگانه با هیات حاکمه ندارد، بایستی بصراحت ذکر مینمود که دینامیک سرکوب کارگران و زحمتکشان بنسبت هیات حاکمه و خدمتگزاران آن به "بورژوازی بزرگ و وابسته" و زمینداران و مالکان بزرگ "و" سازش و نرمش "آن در برابر امپریالیسم، در کجاست. آیا در ماهیت

دو نقطه نظری و یا بهتر بگوئیم دو متدولوژی مختلف در تجزیه و تحلیل از مبارزه طبقاتی، مسائل استراتژیک (نقش طبقات در جامعه و اهداف انقلاب) و لذا تعیین تاکتیک مرحله ای در آن یکی بصورت غالب و دیگری بصورت مغلوب با هم همزیستی میکنند. اما مسأله متأسفانه با یداف کنیم که این "وحدت" حاصل اپورتونیزم بزرگی است که بجای تصریح نقاط اختلاف و اتفاق و نظر غالب و مغلوب کوشیده است که دو نقطه نظر متفاوت، دو متدولوژی متضاد را بنا بر ضرورت معمولی در قالب بیانات و عبارات واحد درآمیزد و ملغمه نا هنجاری را بوجود میآورد که بدترین نمونه برای وحدت اصولی در این شرایط حاد مبارزه طبقاتی و مبارزه ایدئولوژیک منتج از آنرا ارائه میدهد. چگونه؟

در بیانیه کوشش شده است تا تاکتیک "صحیح" در پی برخورد با دو گرایش اپورتونیستی راست و چپ اتخاذ گردد. شرط موفقیت در چنین روشی اینست که اولاً اپورتونیزم راست و چپ بدرستی تصدیق گردند و ثانیاً طراح مسئله خود نظری مجزئ از آنچه بنام اپورتونیزم راست و چپ تصویر میکنند داشته باشد! اما بیانیه که گویی در برخورد به هر کدام

اینجا کردستان است!

من! از خیلی! بولوی و کوبا
از ویتنام!
از هر جا که استثمار و ستم و مبارزه
است به ارث رسیده ام!
من یک ویتنامی ام!
آه! ای مرتجعین! ای دشمنان
خلق!
هرگز مرا نخواهد شناخت!
من شکستنا پذیرم! در زیر مبارزان
زمین میکارم!
و وقتی زمین میکارم، سینه تورا با
گلوله میتکانم!
من قاتل و متجاوز نیستم! من!
خمپاره اندازارتن نیستم! من!
تا نک و توپ نیستم!
من، به شرمگام! با تفنگم بردوش!
وقلمی به بزرگی آزادی همه! خلقها!
وقلمی به بزرگی کینه های بی پایان!
من به شرمگام! و اینجا کردستان است!
کردستان ایران!

من گلوله ایم را بر سینه دشمنان خلق
تلیک خواهم کرد!
بی پروا، به کینه و بی لحظه ای تردید!
و سینه دشمنان خلق را خواهم تکافت
همچنانکه زمین را برای آب دانی
از هم میتکانم!
اینجا کردستان است!
و من شوهر یک زن
و پدر چند کودکم!
کودکانی که تنها بد چون پدر و مادرشان
زندگی را در زیر سرنیزه و ستم،
در زیر استثمار و فقر!
در تنگی و گرسنگی
و بی در زنجیر!
از سر بگذرانند!
اینجا کردستان است!
و من!
یک بلوچم! یک ترکمنم! یک
عربم! یک فارس!
یک آفریقایی ستم کشیده و آسیایی
در بندم!

اینجا کردستان است
سوزمین مبارزانهای هوایی جمهوری
اسلامی!
سرمین قتل و غارتهای قارنا و قله تا
سرمین تجاوز و زبانه زنی و ارتشیان
مزدور که زنان و کودکان بی سلاح
را نیز به گلوله مینهند!
اینجا کردستان است!
سرمین دهقانان و زحمتکشان!
سرمین به شرمگان خلق!
سرمین، مرزهای شخم نخورده
و تشنه آب و آزادی!
اینجا کردستان است
و من به شرمگامی زحمتکشان!
بر شاهانم تفنگم و آب تنم!
بر دستانم غیبت، تا زمین مرده را،
مجدون خلقم زنده کنم!
بر شاهانم تفنگم و آب تنم!
آما ده! با خاک مالیدن بوزه دشمنان
خلق!

بیانیه...

"اساساً بورژوازی" هیات حاکمه است. با درلجابت و حماقت قرون وسطا بی آن؟ و بخصوص میبایست روشن میاخذ که این "ماهیت اساساً بورژوازی" هیات حاکمه است که "ماهیت ضدانقلابی" آنرا موجب گشته و توضیح میدهد یا نه؟ و در این رابطه لازم به توضیح بود که آیا دینا میک عملکرد ضد انقلابی و سرکوب کارگران و زحمتکشان و حمایت از سرمایه - داران و زمینداران بزرگ بتوسط هیات حاکمه ناشی از همین "ماهیت اساساً بورژوازی" و پیگاه طبقاتی آنست یا عاملی دیگر؟ پاسخ دقیق و درست بدین سؤال پاشنه آشیل بیانیه است، و تمام ادعاهای ضدیت آنرا با اپورتونیزم راست برپا میدهد، زیرا که اگر بیانیه "ماهیت اساساً بورژوازی" هیات حاکمه را بشکافد و روشن نماید که منظور از این عبارت آنست که "هیات حاکمه اساساً بورژوازی متوسط تشکیل شده است" ثبوت دیگر نمیتوانست برای هیات حاکمه "ماهیت ضدانقلابی" که متوجه پیگاه طبقاتی آن یعنی همان بورژوازی متوسط است، قائل گردد. بدین علت که "وحدت انقلابی" بورژوازی متوسط را در مجموع و بطور کلی ضد انقلابی ارزیابی نمینماید. و قطعاً ناگزیر از برخورد دوگانها به هیات حاکمه میگردد. بیانیه در توضیف اپورتونیزم راست ادا می دهد: "از آنجا که به سیاست اساساً بورژوازی هیات حاکمه که در حمایت از سرمایه داران و زمینداران بزرگ و سرکوب کارگران، دهقانان و زحمتکشان متجلی میشود توجه نمیکند از دو حال خارج نیست: یا هیات حاکمه از اقشار و طبقات دیگری غیر از "سرمایه داران و زمینداران بزرگ" نیز تشکیل شده است پس بنا به صف بندی طبقاتی نیروهای انقلاب تماماً ضد انقلابی نیست و بناچار نمایندگان این اقشار و طبقات، یا جناحهای سیاسی آنها نه ماهیتاً بلکه در آن هنگام که به دفاع از منافع اقشار فوقانی بورژوازی و بقا - یابی فئودالیسم برمیخیزند ضد انقلابی هستند، و یا اینکه از اقشار و طبقات دیگری تشکیل نشده و آنچه از منشاء خرده بورژوازی و بورژوازی متوسط در هیات حاکمه بنظر میرسد نه بتفیع طبقه خود، بلکه بتفیع موم - قعیت سیاسی خود، و در جهت منافع طبقات دیگری عمل میکنند پس با عبارت دیگری نوعی "کاست" هستند. در این صورت هم معلوم نیست که چرا دشمن عمده که مدعی دشمنی آن بزعم بیانیه در رابطه با تثبیت حکومت فئودال و اقشار فوقانی بورژوازی و بقای فئودالیسم است در فکر سرنگونی جناحی از هیات حاکمه (کودتا) و یا تماماً می آنست (اشغال نظامی) - بهر حال با نیه یک چیز را قبول ندارد آن اینکه ما با هیات حاکمه ای روبرو میباشیم که منافع طبقاتی طبقه بورژوازی را بطور کلی بمعده گرفته باشد و به همین خاطر یعنی بخاطر نجات نظام سرمایه داری و لاجرم تماماً وابستگی ها و عقب ماندگی های آن ارتجاعی باشد و برنامہ امپریالیسم آمریکا هم تسهیل موقعیت در انجام این وظیفه ضد انقلابی و ایجاد شرایط بهتر در صفوف همین هیات حاکمه است و حرکت امپریالیسم نیز تنها از تحولات درونی هیات حاکمه و جامعه ما نشأت نگرفته و تابع تحولات بین المللی هم میباشد.

باز در ادامه: تشریح اپورتونیزم راست میخوانیم:

"از آنجا که ماهیت ضد انقلابی آن (هیات حاکمه) را - که در حفظ، تحکیم و بازسازی دستگاه دولتی گذشته بویژه ارتش و اعمال سیاست ضد خلقی در برابر توده ها نمایان میگردد - از نظر دور میدارند، از آنجا که عقب نشینی های موضعی هیات حاکمه در مقابل مبارزات انقلابی توده ها را به حساب ماهیت "مترقی" آن میگذارند و از آنجا که فقدان کفایت تاریخی بورژوازی در مبارزه ضد امپریالیستی - ضد ارتجاعی را نادیده میگیرند، تحلیلها یی غیر مارکسیستی و عمدتاً رویزیونیستی بشمار میروند."

و ما میپرسیم که چرا برخورد به ماهیت ضد انقلابی هیات حاکمه در اینجا دو تحکیم دستگاه دولتی جدید، ارگانه های جدید خاص این هیات حاکمه (کمیته ها، سپاه پاسداران، دادگاه ها با مطلق انقلاب، دستجات سیاه "حزب الهی") از قلم میافتد؟ و چرا تنها "فقدان کفایت تاریخی بورژوازی"، بلکه ماهیت و نقش ارتجاعی کنونی آن فراموش میشود؟ و چرا با حذف این جنبه های اساسی هیات حاکمه است

که اپورتونیزم راست تعریف میگردد و مرز میان مارکسیسم از تحلیل های غیر مارکسیستی و عمدتاً رویزیونیستی "مشخص میشود؟ چگونه میتوان بر سطح امروز مبارزات طبقاتی و استعداد تعمیق آن بر علیه نظام سرمایه داری وابسته و نقش هیات حاکمه در سرکوب این مبارزات چشم فرو بست و ادعا نمود که به هیات حاکمه برخورد دوگانه نمیشود، جناح مترقی در آن وجود ندارد و هیات حاکمه ضد انقلابی است! مگر آنکه ضد انقلابی خلعت هر قشر و طبقه ای باشد که صرفاً در قدرت سیاسی سهم است! و این چیزی جز انارشیزم و مرض چپ روی نیست! میبینیم که بیانیه نه از اپورتونیزم راست تعریف درستی ارائه میدهد و نه حتی خود از برخی از جنبه های تشریح شده در باب این گرایش مبری است! و برای نام دیگری جز انحراف و التقاط نمیتوان گذارد. و اما وضع در مورد تشریح "طیف تحلیلها و تاکتیکهایی که در پوشش وظایف خود نمایی میکند" بهر آنکه بدتر است، این بار قلم در دست نقطه نظر غالب است که هم با بدغالب بودن نظر خود را ثابت کند، و هم با بدجواب مختصر دلخوری خود را از برخورد به "اپورتونیزم راست" و البته اینبار هم با رعایت طرف مقابل جبران نماید!

ویژگی های تشریح "چپ نمایان":

- ۱- "کمپها" دادن به مبارزه ضد امپریالیستی توده ها"
- ۲- "محدود کردن مبارزه به مبارزه علیه هیات حاکمه"
- ۳- "عدم کردن تضاد کار و سرمایه"
- ۴- "مبارزه یکجانبه برای آزادیهای دموکراتیک"
- ۵- "کمپها دادن به جنبش دهقانی"
- ۶- "ندیدن اپوزیسیون فوق ارتجاعی و بی توجیهی به خطر بالقوه آن"
- ۷- "اهمیت ندادن به تفاوتهای این هیات حاکمه با رژیم شاه و تفاوتهای درونی هیات حاکمه و عدم استفاده از این تضادها در جهت تعمیق مبارزات انقلابی کارگران، دهقانان، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده"
- ۸- "چشم پوشی از تغییر و تحولاتی که بر اثر مبارزات توده ها و بدنبال سرنگونی سلطنت پهلوی بوقوع پیوسته اند (تحولاتی که هر چند در مرحله انقلاب دموکراتیک ایران تغییری بوجود نیاورده است اما بعنوان یک واقعیت عینی پیش روی ما قرار دارد)"
- ۹- "مطلق کردن وجوه وحدت هیات حاکمه با امپریالیسم و ندیدن تضادها و اختلافات آنها در مقطع کنونی"

و بالاخره اینها هستند که: "خطوط اساسی این گرایش چپ روانه را تشکیل میدهند." (پاراگراف ۲۷)

بیا شید بیینیم که این ویژگیهای خط انحرافی در "پوشش وظایف چپ" در قالب بیان کدام نقطه نظر میکنند؟ ویژگیها را به ترتیب ذکر شده در نظر میگیریم:

"مبارزه با مطلق ضد امپریالیستی توده ها، مهابه یی بیش نیست، با یدمبارزه را به هیات حاکمه محدود کرد، زیرا تضاد کار و سرمایه عمده است (!) به همین خاطر فعلاً تاکتیک مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک عمده میگردد. دهقانان در انقلاب نقش مهمی ندارند، خطرات جریانات وابسته به بخت را و متالهم و کودتای ارتش و توطئه های ساواک و امثالهم ناچیز است، و این هیات حاکمه در واقع همان رژیم شاه است و از تضادهای درونی آن نمیتوان برای تعمیق مبارزات توده ها استفاده نمود، تحول مهمی در جامعه در سالهای اخیر صورت نگرفته که بصورت واقعی عینی پیش روی ما باشد، هیات حاکمه با سیاست امپریالیسم در مورد ایران در انطباق است و میان آنها تضاد و اختلافی نیست."

هر کسی که مدتی کوتاه در نقطه نظرهای متفاوت درون جنبش کم - نیستی و حتی خارج از آن مطالعه مختصری کرده باشد، بزرودی متوجه میشود که ملغمه نظرات فوق به هیچ وجه یک گرایش واحد را تشکیل نمیدهد و کوشش برای ارائه این ویژگیها بعنوان خصوصیات یک "گرایش چپ"

بیانیه

روایت "که لابد بطور جدی در سنده مبارزات تئوریک بچشم نویسندگان بیانیه آمده است" در واقع نویسندگان بیانیه خواسته اند بر نقطه نظر غالب خودشان که همانا اپورتونیزم راست است، به کمک، را تدبیر باغ وحش از یکات مختلف سرپوش بگذارند و در مقابل چنین نظرات "وحشتناک چپ روانه" و آن نظرات نامطلوب راست روانه "در واقع نظری التقاطی و مطلوب! ارائه دهند.

مانظری را سراغ داریم که، ۱- بصراحت به مبارزه، ضد امپریا - لیستی توده ها تحت عنوان "هیا هو" نه تنها کمپها، میداد، بلکه اصلا بهایی نمیداد *

۲- نه تنها به "خطریا لقه" اپوزیسیون فوق ارتجاعی "بی تو- جی" میگرد، بلکه حتی و قتیکه این خطریا لقه (مثلا برنامهای خلق مسلمان، بختیار، جناحی از ارتش و آقای شریعتمداری!) مراعات آن را تجلی حقانیت گفتار انقلابیون معرفی نمود. ۳- با ادامه همین ادعاها در مورد وقایع بندر لنگه و بلوچستان واقعا هم مبارزه را در هر زمان و هر شرایطی به مبارزه با هیات حاکمه "محدود" نمود. ۴- همین نظریه تنها اهمیتی به تفاهات و نهی این هیات حاکمه با رژیم شاه نمیداد بلکه این هیات حاکمه را "حکومت آخوندها" میدانست که عقب مانده تر از رژیم شاه بوده، در اندیشه، احیای روابط فئودالی هستند و "یکسی از سیاه ترین حکومت های اختناق سیاسی" را در جامعه مسلط کرده اند و همچون رژیم شاه به سیاست "باج و شلاق" مشغولند. ۵- به این ترتیب نه تنها از "تغییر و تحولاتی که بر اثر مبارزات توده ها و بدنبال سرنگونی سلطنت پهلوی بوقوع پیوسته اند" چشم پوشی مینمود، بلکه آنرا کامی به عقب (حداقل در مورد قدرت سیاسی حاکم) میدانست. ۶- نه تنها "وجه وحدت هیات حاکمه با امپریالیسم و ندیدن تضادها و اختلافات آنها در مقطع کنونی" را مطلق میکرد، بلکه حتی عمده، واقعی که از زمان اشغال سفارت تا چند پیش اتفاق می افتاد، برنامه طرح ریزی شده - ای میدانست که ایادی هیات حاکمه در اجرای آن ابتکار عمل داشته اند از جمله دانشجویان بیروخ و اما که از همان ابتدا بعنوان شعبه ای از حزب جمهوری اسلامی اقدام کردند! و بالاخره ۷- با چنین ارزیابی های مهمترین مبارزه در مقابل این حکومت دست نشاندۀ عقب افتاده خونی اختناقی (!) را همان مبارزه برای آزادیهای دموکراتیک میدانست و با این ترتیب عملا در همان صفی قرار میگرفت که جبهه ملی هم در آن قرار میگرفت و جبهه ملی را به عنوان "طرفدار یک حکومت بورژوا دموکراتیک" و طرفدار "نظم ضروری برای جامعه قلمداد میکرد!" کجا هستند این اپورتونیست های چپ با در واقع راست؟ ۸- که چنین گستاخانه و بیژگی از ویژگی بر شمرده در بیانیه را در بارزترین شکل و زنده ترین صورتی از خود بروز داده اند؟ با کمال تأسف و تعجب در هفتان "وحدت انقلابی" برای آزادی طبقه کارگر، "آزادپایه گذاران این تشکیلات و احد دوران گذار بسوی حزب طبقه کارگر" یکی از گروه این وحدت و یکی از فعالترین گروهها از پنج گروه اولیه طرفدار تشکیلات دوران گذار بگرد منشور او!

بگذاریم این معمارا که چگونه عده ای بیانیه ای میدهند که هم در متن آن و هم در کار تشکیلاتی حول آن گفته های خود را نقش میکنند و با نظرات و تشکیلاتی که عکس نظر و عملکرد همان نظرات دارند به وحدت میرسند را، خود رفا توضیح دهند! ما به سخن خود ادامه میدهیم: از ویژگی که در وصف "پوش و ظاهر چپ نمایی" در بیانیه آمده است، ویژگی آن در یک خط واحد تجلی میکند که اتفاقا (!) از ما در کنگره بیانیه بوده است و این ویژگیها بطور جدی و صریح هم از جانب آن گروه مطرح شده است. اما همین نظر واقعا اپورتونیستی چپ با دو ویژگی کاملاً مخالف است: ۱- این نظریه تنها به "عمده بودن تضادها و سرمایه اعتقادی نداشته است بلکه تضاد عمده را کاملاً برعکس میانگرایشات بورژوا دموکراتیک و اختناق و روبروئی فئودالی میدانسته، نه تنها به جنبش دهقانی اظهار کم بهایی نمیکرده، بلکه با قائل شدن فئودالیسم

پنهان یکی از تضادهای اساسی ظاهراً جنبش دهقانی بر بهایی هم میداده است! واقعیت اینست که "عمده بودن تضادها و سرمایه و" کم بهایی به جنبش دهقانی "که در حقیقت هم اپورتونیزم چپی هستند که بصراحت در مقابل تروتسکیستی خارج از جنبش کمونیستی تجلی میابند برای پوشاندن جریان اپورتونیستی راست غالب بر بهایی نیست، بی مسمی و بی جا خا طرنشان شده اند. اما ذکر این دو ویژگی علاوه بر این دلایل دیگری نیز دارد. در بحث های جاری در جنبش، بیش از تشکیل کنفرانس وحدت و حتی در جریان کنفرانس و بعد از تلاشی آن تضادها و سرمایه بعنوان تضاد اساسی جامعه ما از سوی تشکیلاتی نظیر ما مطرح شده و میشود. اما این تضاد که در واقع مربوط به ساخت اقتصادی جامعه است و تحول به جامعه سوسیالیستی در گرو حل آنست، نیز به گونه خود در گرو حل تضاد عاجل تر کارگران، دهقانان و سایر چمکشان با نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم قرار میگیرد، که شرایط را برای حل تضاد اساسی فراهم مینماید. حل این تضاد عمده با سرنگونی حکومت پاسدار نظام کنونی و برقراری حکومت کارگران، دهقانان و سایر چمکشان که شرایط را برای حل تضاد اساسی از طریق مراحل مختلف ساختمان سوسیالیسم فراهم میآورد، ممکن میگردد.

گروه های شرکت کننده در "وحدت انقلابی" این نظریه را رد نموده و آنرا مترادف با "عمده نمودن تضادها و سرمایه" میدانستند زیرا که از نظر آنها تضاد اساسی "کار و سرمایه" مختص جوامع سرمایه داری و کلاسیک و پیشرفته است و نمیتوانند پذیرند که جوامع سرمایه داری وابسته بمعنای عام همان جوامع سرمایه داری هستند که خصوصیات مهمی از قبیل وابستگی، عقب ماندگی و... دارند، و در واقع تضاد اساسی که بیان کننده جنبه های اساسی ذاتی و غیر ویژه پدیده میباشند، در آنها نیز همان تضادها و سرمایه است. و در مقابل استدلالاتی که در مورد نقش ضد انقلابی بورژوازی در کلیت خود و اتحاد آنها با دشمنان خرد بورژوازی با آن و نقش اصلی و عمده، پرولتاریا در انقلاب آینده ما آورده میشد، نتیجه می گرفتند که این "کم بهایی دادن به جنبش دهقانی" است. و با این ترتیب دو تقی مختلف از تضاد عمده و نقش دهقانان بوجود آمد. از سوی "تضاد عمده با امپریالیسم" به معنای شرکت اقشار

معین بورژوازی با شکل خاصی از این شرکت ارزیابی شده و دهقانان شامل اقشار خرد بورژوازی نیز میگشتند و از سوی دیگر تضاد عمده با امپریالیسم بمعنای تضاد عمده، پرولتاریا، دهقانان و سایر چمکشان با نظام سرمایه داری وابسته تفسیر میشد که دهقانان را مرکب از اقشار تهیدست و در نهایت متوسط الحال میدانست. بحث بر سر توصیف بندی متفکات و از نیروهای انقلاب و ضد انقلاب و نقش بورژوازی متوسط و یا خرد بورژوازی بر قبه بعنوان نیروی متزلزل، بنا به دو تفسیر متفاوت بود. ترجیح بند "عمده گرفتن تضادها و سرمایه" و "کم بهایی دادن به جنبش دهقانی" نمیتواند ما را با این بحثها نیاز دارد. و اگر از تعریف اصولی بیانیه در بحث کلی یعنی اساسی بودن تضادها و سرمایه و معنای تضاد عمده با امپریالیسم و نیز تعریف طبقاتی از خرد بورژوازی انقلابی و دهقانان متحد پرولتاریا بگذریم، مرز بندی بیانیه با چنین "اپورتونیزم چپی" همان مرز بندی ما با اپورتونیزم راست غالب بر ترا بود و بیانیه خواهد بود. و این مرز بندی اصولی بر روی مسائل استراتژیک است که چشم پوشی از آن تحت عنوان "ضرورت وحدت" و توافق بر روی نفس ضد انقلابی بودن هیات حاکمه غیر ممکنست.

ملاحظه میشود که بیانیه از اپورتونیزم چپ هم نظیر اپورتونیزم راست تفسیر درستی بدست نمیدهد ولی بدتر از آن با حفظ همان گرایشهای اپورتونیستی چپ و راست با کمال مراحت به وحدت میرسد! و حاملین آشکار و غیر قابل انکار همین گرایشها را در درون خود جای میدهد و اینهمه را به بهانه "ضرورت" و "وحدت انقلابی" جاییز مینماید!

بیانیه

تعی در مقابل وحدت اصولی قلمداد کنیم، متذکر می‌شویم که وحدت بر روی نفس "مداخلاتی بودن هیات حاکمه" و مفاهیم کلی "جمهوری دموکراتیک خلق" و "سویال امپریالیسم" نمیتواند برای وحدتی که محتاج به تحلیل معین طبقاتی و تدوین تئوری و برنامه‌براساس این تحلیل است تکافو کند. در هر وحدت باید نظرات غالب بصورتی منسجم بیان شود و نقاط ابهام و اختلاف تذکر داده شود و مابین وحدت اصولی کلیه نظرات، روش حرکت تشکیلات با وجود این اختلافات و ابهامات و آن روشها و اشکال خاصی که برای حل آنها پیش بیفتد می‌شود معلوم یابد. سرپوش گذاردن روی اختلافات، کوشش جهت نامیسان رضایت همه با تنظیم عبارات و جملات و اتخاذ روش لیبرالی برای ارضای همگان در ارگانهای تشکیلات، تحمل پنهان نمودن نظراتی که بصراحت

و وضوح در تضاد کامل با بیانات امروز از سوی حامین همان نظرات است، و بالاخره کوشش در قلب تمام این واقعیات بصورت یک وحدت اصولی آنه تنها ضرورت تحقق امر حیاتی وحدت نیست بلکه به آن ضرر نیز وارد میکند. زیرا در واقع اتحادات کتبی گروههای مختلف بعنوان وحدت استراتژیک جلوه گر می‌شود، که حتی در مجموعه با هماهنگی و ادغام شده خود کارایی محدود همان شکل های کوچک هماهنگی و مجسزا را هم ندارد. گرایشی که التقاط و سازش غیر اصولی را تئوریزه نموده و با بهانه های مختلف توجیه می‌نماید و آنرا بعنوان یک خط سیاسی جدید ارائه می‌دهد مدتهاست که در تاریخچه جنبش کمونیستی بین المللی تحت عنوان "سانترسم" همواره در زمان اوگیری مبارزات ایدئولوژیک خودنمایی نموده است و بی‌پایه نگفته اندسانترسم از بدترین انواع اپورتونیسم است.

توضیحات:

به این ترتیب است که وظایف کمونیستها با جهیدن از قضاوت های هوایین چنین تعیین میگردد:

"کمونیستهای کشور ما مجازند در این دوراهی حساس تاریخی انتخاب کنند. ۱۰ - کمک به بورژوازی و بعضی های بظاهر خرده بورژوا و جامعه روحانیت قشری و واپسگرایان تحلیلی حکومت بظواهر ملی و در باطن ضد ملی و ضد انقلابی بر مردم و جامعه و یا ۲ - دریدن نقاب عوامفریبی از چهره هیات حاکمه و همراه شدن با جنبش واقعی مردم که خواه ناخواه باید این هیات حاکمه هم روبرو گردد. همانگونه که در کردستان، هندرانزلی، تبریز، بندر عباس و..... روبرو گردیده است. ۲ - آری انتخاب آزاد است "تکیه از ماست زحمت که از "حکومت آخوندها" بشدت متنفر است با چنان تشریفاتی که از مبارزه ضد امپریالیستی (خودکفایی و شکوفایی اقتصادی ملی مبارزه برای مستقل نمودن اقتصاد کشور) مینماید، طبیعی است که در ظاهر بسیار "چپ" محتوای راست ارائه میدهد. ختم زحمت و محتوای آن در زحمت ۹، پنجم دیماه این چنین متجلی میشود.

"حکومت آخوندها، تحت هر عنوانی و شکلی که میخواهد باشد حکومتی مرفقی نیست، این حکومت نه تنها قاتل درنیست جامعه را در چارچوب معین به نظم درآورد، بلکه از هم گسیختگی و بی نظمی را درجا مفدا من زده و بنوبه خود به تعمیق بحران انقلابی تداوم میبخشد و آنرا بیشتر میکند (تاکید از ماست)

انقلابیونی که از تعمیق بحران انقلابی ناراحتند، او برقراری "نظم" و یا "بی نظمی" را چنین اعجاب انگیزه "ترقی خواهی" - یک حکومت ربط میدهند محتوایی جز آنچه مورد نظر بورژوازی است را ارائه نمیدهند.

"بهر حال مناسبات سرمایه داری موجود در ایران با همه عقب ماندگیهایش طالباتوابع نظم معینی است و نیروهای هوادار سرمایه داری نیز طرفدار استقرار و ثباتی هستند همین نظم اند این چنین نظمی نه فقط با نظمی که ما کمونیستها و نظام مطلوبان میطلبید تفا دارد، بلکه با نظم و سلسله مراتب مطلوب جامعه روحانیت نیز در تضاد آشکار است. اما دونوع تضاد: میان "نظم" مطلوب سرمایه داری و هواداران آن را با نظم مورد علاقه جامعه روحانیت تضادی میان حال و گذشته است و تفا در میان نظام مطلوب و همین "نظم" مطلوب سرمایه داری تضادی است میان حال و آینده."

و خود بخوان حدیث مفصل از این مضمون!

۱ - زحمت "ارگان اتحادیه انقلابی برای رهایی کار"

۲ - زحمت ارگان اتحاد انقلابی برای رهایی کار "شماره فوق العاده و قایع تبریز، زحمت شماره ۸، زحمت شماره ۹ و ۱۰....

۳ - برای روشن شدن این اپورتونیسم چپ ولی در واقع راست چند نمونه زیر قایل توجه است.

"زحمت" ۲۵ در ماه در مقابل تمام ماجرای سفارت و مبارزه ضد امپریالیستی توده های مردم که بدنبال آن اوج گرفت واقعیه را بدینصورت تفسیر مینماید.

"ماجرای گروگانگیری و اشغال سفارت آمریکا در تهران بر روی پدای "هیجان انگیز و پرهیاهو مبدل شده است. جاسوسخانه آمریکا اشغال میشود، کاسینه بازرگان سقوط میکند و مورد دولت رسماً به جامعه روحانیت واگذار میگردد معدودی از گردانندگان اصلی جمهوری اسلامی موقعیت خود را سریعاً از دست میدهند: حوادث گوناگون یکی از پس دیگری بوقوع پیوسته و کنایه های سیاسی راه بدنبال میآورد.

بدنبال این وقایع امپریالیستهای آمریکایی کشور را تهدید به تجاوز نظامی کرده، معظم ترین ناوهای جنگنده، خود را روانه خلیج فارس میسازند. سپس کارتر پس از خروج از جلسه فوق العاده شورای عالی امنیت آمریکا روز دوم دی ماه را تعطیل عمومی اعلام میکنند تا مردم به کلیساهای روم و برای آزادی گروگانهای آمریکایی دعا کنند!"

و اینست روشی که "زحمت" از دریچه چشم خود به دنیای خارج مینگر نقش توده ها در این "میا هو" همان چیزی است که زحمت آن را با مهارت حذف میکند و اگر لازم باشد آنرا تخطئه هم مینماید کاری که تنها از عهد یک روشنفکر بسیار "چپ" بر میآید.

"مبارزه علیه امپریالیسم و بر ضد آمریکای غارتگر، مبارزه در جهت خودکفایی و شکوفایی اقتصادی ملی است، مبارزه برای مستقل نمودن اقتصاد کشور، بگروگان گرفتن تعدادی جاسوس و مأمور آمریکا و پراوانداختن نمایان بدور حسی آنها!" (تاکید از ماست)

"میگویند کشور در آستانه جنگ با آمریکا است و آنوقت اتکا مسئولین امور بر ارتش است که با هزاران بندیده خود "شیطان بزرگ" متصل است، اگر این یک شوخی بزرگ نباشد، قاعدتاً باید برنامه ای با هدفهای معین باشد."

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان، نظام پوسیده سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

مجاهدین خلق...

از مبارزات خویش در برپیش تریس
پهنه گشته اندر طی ۱۵ ماه که از
وجودیت قدرت حاکمه میگذرد هیئت
حاکمه همواره دست در بر سینه آنان
زده است و علی رغم تضرعاتی که از
بر آن هیئت حاکمه مینماید پندحتی
یک کرسی پارلمانی را نیز زرد
اختیارشان نخواهند گذاشت اما آنان
همچنان به اراکه دلیل و شاهد برای
بیگناهی "خود در صحنه مبارزات
قانونی و ملی جاری" جا معبرای
جلب توجه هیئت حاکمه مشغولند
"خرگانه ما چیست؟ مگر ما درست‌تر
ایمن مدت حتی بعنوان مثال
یک گلوله هم شلیک کردیم" (سخنرانی
رجوی در رشت) چه افتخار بر زرگی!
به قانون اساسی رای ردمیدهند اما
"نظم و قانون موجود" را میپذیرند،
به مبارزه با امپریالیسم اعتقاد
دارند اما در عمل نه در کنار خلقها
بلکه چشم به هیئت حاکمه دارند! در
کنار رنجایی برای مبارزه با امپری-
الیسم نصیحتان شود، انبوهی از
عملکردهای ضد انقلابی هیئت حاکمه
را افشاء میکنند و بیان میدارند که
سپاه پاسداران "عرصه یک تازیها
و تمغیه حایبهای گروهی و شخصی شد"
(مجاهد ۲) اما نیروی همدلی مسلح انقلاب
خود را دودستی تسلیم آن میکنند
به حقوق ملی خلقها اعتقاد دارد
اما اعتقاد دارد که مبارزات آنها
فقط بسودا امپریالیستهاست
(مباحثه موسی خیابانی) "روند
دیا لکتیکی امور" را به "چپ و وها
و چپ نماها" گوشزد میکنند اما خود
نمی‌توانند رابطه دیا لکتیکی بین
تضادهای یک ساخت اجتماعی، اقتصادی را با
همدیگر درک کنند، نمیتوانند
رابطه "دیا لکتیکی" تضاد خلق و
امپریالیسم را با مبارزات دهها از
جمله تضاد بین ستم ملی و حقیق
تغییر سرنوشت خلق را در یابند.
خواستار توقف حرکت نیروهای
درونی پدیده و برخورد بین آنها
هستند اما امپریالیسم را "تمام و
کمال" از درون پدیده بیرون رانند
آنگاه به نیروهای متضاد درون پدیده
اجا و حرکت دهند.

با رزترین جلوه دوگانگی مجا-
هدین این دموکراتهای ناپیگیرما
را خلق های تحت ستم و بویژه خلق
کردت تجربه کرده است آنان از یکسو
بر حقوق ملی آنها تاکید دارند و
از سوی دیگر حتی از افشای جنایات
هیئت حاکمه در حق این خلق ستم
کشیده خودداری میکنند و برای اینکه
دامن خود را از این مبارزه انقلابی
بشورند با رها و با رها اظهار داشته-
اند که ما حتی در این مناطق یک عضو
ساده هم نداریم ولی در عوض تسلیم
نامهربانان ما در نموده و از جنگ
افروزان اصلی هیئت حاکمه مطالبه
حقوق آنان را مینمایند. از یکسو ستم
ملی را تجلی از سلطه امپریالیسم
میدانند و از سوی دیگر به هیئت
حاکمهای که برای حفظ این ستم ملی
از هیچ جنایتی فروگذار نکرده است
دعوت نامه برای مبارزه با امپریا-
لیسم میفرستند. برینا مه مجاهدین خلق
در مبارزه با امپریالیسم همان
سرنوشتی را خواهد داشت که مبارزه
با امپریالیسم تا صراحتا امپریا-
لیسم اگر در روابط اجتماع-
اقتصادی جا معدموم نشود مبارزه
با آن تخیلی بیش نخواهد بود. وحدت
همه نیروها از جمله هیئت حاکمه برای
مبارزه با امپریالیسم در حصول
تضاد ملی خلق و امپریالیسم "و
تعطیل کردن حرکت سائرتضادهای
بمعنی تجزیه مکانیکی مبارزه ضد
امپریالیستی از مبارزه طبقه ملی
است. اگر انقلاب ما "یک انقلاب رها-
بی بخش و ضد امپریالیستی است"
و میهن ما هم نه در زمان شاه نه
اکنون تحت اشغال امپریالیسم یعنی
نظامی آن و علی رغم حضور وسیع آن
در همه سطوح و وابستگی همه جانبه
رژیم سابق به آن و تحت استعمار
مستقیم آن نبوده است پس راهی
از چه رابطه ای و ضدیت با امپریا-
لیسم در چپ پنهان از روابط اجتماع-
ی اقتصادی جا معما، مضمون
انقلاب ما را تعیین میکنند و در کجا
عینیت مییابد؟ آیا راهی از ستم
ملی جزئی از وظایف این انقلاب
است و مبارزه با امپریالیسم را
تحقق میبخشد یا احیاء ستم ملی و

سرکوب خلقها در مقابل این خواست
است آیا ما دره ملاک زمینداران
و تشکیل شوراها و دهقانی و تسلیح
توده ها و سرکوب خوانین و عوام-
وا بسته به رژیم شاه مبارزه با امپری-
الیسم است یا انحلال شوراها، خلق
سلاح توده ها و برسمیت نشناختن حق-
لکیت دهقانان و بر زمینهای صادره
شده و تقویت "قیاده موقتها" و گشتار
خلقها کاکال مبارزه با امپریالیسم
است؟ مجاهدین حکم به تعطیل
مبارزه خلقها را میدهند تا مبارزه با
امپریالیسم پیش رود اما در کجا؟
روشن نیست، از آنجا دهه مردم
برای مبارزه با امپریالیسم و هم-
راهی با هیئت حاکمه بر علیه امپریا-
لیسم صحبت میکنند اما چگونه این
اتحاد در شرایطی که هیئت حاکمه این
مردم را سرکوب میکنند و شورش
از تسلیح آنها هراس دارد و اعمال
حاکمیت را در آنها را بر سرنوشتشان
برسمیت نمیشناسد چگونه عمل-
است؟ بی پاسخ میگذارد. مجاهدین
میخواهند "تضاد خلق با امپریالیسم"
را حل کنند اما در کجا معلوم نیست؟
در سفارت، پشت گوشی تلفن، پشت
تلویزیون؟ یا در صحنه تیردخونین
خلقها برای کسب حقوق ملیشان
و در صحنه دانشگاه و کارخانجات
و مزارع برای بسیج انقلابی توده
ها و تا مین رهبری انقلابی آنها که
راهی جز مبارزه با حکومت ضد انقلابی
از طریق آگاه نمودن توده و ارتقا
سطح مبارزات آنها برای خوا-
سته های بحقشان ندارد؟
اما ظاهراً مجاهدین شکل نخست را

کردستان/قهرمان، خلق قهرمان
ترکمن، توده های زحمتکش جا معمه
با مبارزات خونبار خود ما هیئت واقعی
هیئت حاکمه را بروشنی تجربه نموده
و در جریان همین مبارزات ما هیئت
واقعی سازمانهای سیاسی را در-
می یابند. آنها در میابند که چه
نیروهایی مبارزه ی را سازمان
داده و با بیای آن بر تحقق خواستهای
بحقشان برای عینیت بخشیدن به
مبارزه با امپریالیسم جا تضاد
نمودند بی میبند چگونه نیروهای

با درکی نادرست از مبارزه با امپری-
الیسم و تحلیل نادرست از تضاد -
های حاکم بر روابط جا معمه و شیوه حل
آن از مبارزات انقلابی توده ها
دور مانده و نوع مبارزات خود را که
دیگر شکل "انتقاد" خیرخواهانه بخود
گرفته است جا یگزین مبارزات آنها
نموده اند. برایتیک توده های انقلاب
بی خلق کرد و دیگر خلقهای برخاسته
ایران معیار صریحی در شناخت ما -
هیئت واقعی کلیه نیروهای سیاسی
جا معمه گردیده است، موضعگیری ساز-
مان مجاهدین خلق علی رغم بیان
اعتقاد به حق تعیین سرنوشت خلقها
نه تنها هیچ پشتوانه ای حتی در حد
یک افشای محدود برای حقوق
این خلقها نیست بلکه با مشوب
نمودن اذهان توده ها از ما هیئت
این مبارزه و کلی باقیها بی که در
مورد امپریالیسم و نقش آن در مبار-
زات خلقها مینماید عملاً بتفشیج
حکومتی است که تمام امکانات
خود را برای سرکوب این مبارزات
انقلابی بکار گرفته است.

و نیز برخلاف تصور مجاهدین
بتنفع امپریالیستی است که قبل از
هر چیز در اندیشه سرکوب نیروهای
انقلابی، مبارزات انقلابی توده ها
و تحکیم و تثبیت یک حکومت مرتجع
و وابسته به خود میباید. حکومتی که با
چیره شدن بر مبارزات توده ها از طریق
سرکوب قدرت ارتجاعی خود را بگستر-
اند و بیرون انقلاب در جا معمه
غلبه نماید.

سیاست انقلابی نمیتواند یک آن
از اعتدای مبارزه توده ها در جهت
تحقق خواستهای انقلابی آنها غافل
شود زیرا هدف انقلابیون چیزی جز
ب قدرت رسانیدن توده ها نیست.

رفقا و هواداران!

کمک های مالی و انتقادات

خود را به هر طریق که

می توانید، بدست ما

برسانید.

مجاهدین خلق...

مقابل اولیه ترین خواسته هایشان فاشیستی ترین شیوه ها ایستاده است. برعکس آنان مبارزه انقلابی خلقها برای تحقق این خواستها بنفع امپریالیسم است، چرا که تضادهای فرعی را حذف میبخشد. نیروهای راکتبه برالگوی سازش مجاهدین بلکه همپای خلق صداقت انقلابی خود را بشویر میرسانند به "چپ روی و چپ نمایی" متهم میکنند و مرتباً "بعرض میرسانند" که دامن خود را از این صداقت انقلابی پسائی کنند و "سیاری نیروها را از بازیها بنسجیده با آن (مسأله خلقها) برحذر میدارند. بی آنکه حتی خط فاطمی بین مبارزه برحق خلقها و سیاست عمومی هیئت حاکمه در مقابل این خواستها بکشند طرفین این مبارزه را محکوم مینمایند و بعرض میرسانند که "ضمن محکوم نمودن تمام دستهای جنگ افروزان ایران سوز، چه دست راستی و چه چپ رویایی که بخوانند عاری از مسئولیت رهایی بخش فداستعماری سراسر کشور به تضادهای فرعی دامن بزنند بعرض برسانیم... (۲۳/ ۵۸/۷) تا مه به آیت الله خمینی

گسترش جنبش ملی خلقها بعد از فروپاشی رژیم شاه ادامه طبیعی مبارزه فدا میریالیستی توده های ما بود. رژیم وابسته و مزدورشان و سیستمی که این دست آموزا میریالیسم نگهبان آن بود از هرگونه احقاق حقوق این خلقها با کنتسار و سرکوبهای فاشیستی مانع است. بعمل نمیآورد و بیایستی که پیش میبرد اعمال سنی دوگانه در حق خلقها بود. هیئت حاکمه موجود به گواه جنگ ددمنه آن امروز کردستان قدیمی که در جهت تقویت این جنبش برداشت و نه گوشه ای اساسی از این حقوق را به خلقها اعاده نمود که این خود یکی از بارزترین نمودهای ماهیت فدا انقلابی هیئت حاکمه است. بدون مبارزه در جهت زدودن مظاهر سیستم امپریالیسم مبارزه با امپریالیسم امری واهی خواهد بود و هر تزی که این مبارزه را از مظاهر عینی امپریالیسم در مناسبات اجتماعی جابه ما جدا کند تزی انحرافی است که

در نهایت آب به آسیاب خود امپریالیسم مییزد. هر نیروی که در مقابل انهدام این مظاهر ایستادگی نماید عملاً چه بخواند یا نخواهد چه "بخاطر اسلام" باشد چه نباشد در خدمت امپریالیسم خواهد بود. هیئت حاکمه که در مقابل این خواستها سخت ایستاده است نمیتواند بگمان مجاهدین متحد مبارزه فدا میریالیستی توده ها باشد و دقیقاً در مقابل این مبارزه عمل مینماید هر چند خود را با ماهیت دیگری گاه بطور محدود در مقابل امپریالیسم قرار میگیرد. سیاست انقلابی آن نیست که حقوق توده را از جنگ افروزان و سرکوبگران تقاضا کند بلکه آن سیاستی که ما دفاع میاز مبارزه توده را با جانبا زیهای خود تعمیق بخشیده و در تحقق آن بکوشد. مجاهدین خلق نه تنها در این مبارزه حتی در خفاکاری (که بقول خودشان تاکتیک این مرحله از مبارزه شان هست) شرکت نکرده اند و "حتی المقدور از دخالت عملی در مسائل ملیتها و دعاوی مربوطه خودداری کرده" بلکه حتی آن نیروی که این مقاومت خلقها را با جانبا زیهای خود سازمان میدهد و خود را دوشان اعدام و کشتار میثوند به "چپ روی و چپ نمایی" متهم میکنند. مجاهدین معترضند که چرا "مدعیان انحصاری طبقه کارگر" آنان را متهم به سازشکاری میینمایند و در عین حال در بحبوحه جنگ کردستان یا گنبد تسلیم تاضیه ما در میکنند و دل نگران مبارزه فدا میریالیستی بسبب خود هستند. ما حاضر نیستیم در راهی از جنایات هیئت حاکمه را در جنگی که "از گذشته پیشه ساخته میشود" افشاء کنند. فاشسار ناشی از واقعیت آنها را مجبور میکند که زیرا که نه در حادثه ترین مقطع جنگ اخیر طی دوشماره به تاریخچه جنبش کردستان از سالهای ۲۰ به بعد تا اوائل دهه پیرازند. اما بی آنکه هر آنچه امروز در کردستان میگردد (که در هیچ یک از مقاطع مبارزات این خلق قهرمان از نظر بعد جنایات و کشتار فدا انقلاب باقی نماند) مورد ارزیابی قرار دهند. و توهم توده ها را نسبت به فریبکاری هیئت حاکمه

و خطئه مبارزان این خلق قسدری کا هش دهند. این دوستداران خلق اگر به سیاست سازش با هیئت حاکمه کشیده نمیشدند و اگر این سکوت مماشات و مطمحنت جویانه خود را میشکستند میتوانستند با توجه به توده هوادار نسبتاً انبوهی که بمقدور باقی انقلاب بی خود و ضعف جنبش چپ بدست آورد. ه اند سهم زیادی در افشاء سیاست هیئت حاکمه در کردستان و اثبات حقانیت این خلق و در نتیجه تضعیف پایگاه توده ای رژیم برایین تهاجم جانبا نه داشته باشد. اما سکوت و مطمحنت جویانه مجاهدین و در پیش گرفتن سیاست "مبادائی و" "بطرفه" آنها کمک مؤثری به هیئت حاکمه نموده است تا با ماهیت انقلابی مبارزه خلقها را مخدوش و توهمات توده ها را در این رابطه تقویت نمایند. مجاهدین خلق ایران ضمن ابراز نگرانی شدید از این نوع درگیریهای که جز به سود امپریالیستها نبوده و نخواهد بود، خواهان پایان دادن هر چه سریعتر به درگیریهای خونین آنجا هستند" (مجاهد ۳۲ تا کیدازماست) اما تا آما ۱۵ ماهه ادامه مبارزه خلقها و سیاست رژیم در مقابل آن روشن نکرده است که عامل این درگیریها در کجا نهفته است که مجاهدین از پر داختن به آن ابادارند؟ آیا مدعیانند و خواهانند دیگر هنوز به اثبات نرسانده است که عوامل مختلف هیئت حاکمه چگونه با مسلح نمودن فتوداها و دیگر نیروهای مرتجع محلی سرکوب و زخمیشان خلق کرد را از مدتها قبل تدارک دیده اند؟ آیا جنایات امثال ملاحضی در ارومیه که همدیت ظهیر بزاز و فلاحی ها و چمران ها و حمایت بی دریغ هیئت حاکمه قاجعه قاربا و... را آفریده است معلوم نمیشود که چه کسانی به سود امپریالیستها کار میکنند و راه "پایسان دادن هر چه سریعتر به درگیریهای خونین" راهی جز سرکوب و مرتجعین محلی و غلبه بر تحریکات و تجاوات هیئت حاکمه نیست؟ آیا مجاهدین راه دیگری را در مقابل حکومتی که میخواست نظم فدا انقلابی را به قیمت کشته دزد کردستان دائر کند سراغ دارد؟

مجاهدین چشم بر روی تمام این واقعیات میبندند، با اتخاذ موضع "تاسف و بی طرفی" از کنتسار آن میگذرند. شانه خود را از چنین بنسار سنگین مسئولیت مهمی خالی میکند و اینهمه را به بیانه مبارزه با امپریالیسم جلوه میدهند، اما هر بار به عیب از هر فرصت استفاده میکنند تا مراتب وفاداری خود را به حکومت ابراز دارند و متحدین خود را در صفوف آن جستجو کنند؟

مجاهدین درست در آستانه جنگ اخیر کردستان که پر طیش ترین صحنه مبارزه واقعی فدا میریالیستی توده ها را هیئت حاکمه مورد تهاجم قرار داده است اظهار میدارند که "مجاهدین خلق ایران با اعتقاد راسخ ترا همیشه نهایت آما دگسی خود را برای هرگونه هماهنگی و همکار ری در خطوط فدا میریالیستی با کلیه مقامات و ارگانهای مسئول به پیشگاه خلق قهرمان ایران و شخص امام خمینی اعلام میداریم" (اعلام میه ۵۹/۲/۵).

این کدام "خطوط فدا میریالیستی است که مجاهدین آن را وجه مشترک "هماهنگی و همکاری" خود با کلیه مقامات و ارگانهای مسئول قرار میدهند؟ کسانی که این چنین چشم و گوش خود را بر روی واقعیات جاری در جاده میبندند و مصرا نه و با ذره بین بدنبال نقاط تقاطع مشترک با "کلیه مقامات و ارگانهای مسئول" میگردند، در غرضه بنیر انقلابی توده ها خلق کرد حقانیت مقاومت مسلحانه آنها را سرپوش گذارده و هیچ هماهنگی و همکاری با نیروهای انقلابی در این عرصه را قائل نمیشوند. این است یکی از بارزترین بین جلوه های سازشکاری، در مقابل قدرت حاکمه ارتجاعی و انحراف از اصول مبارزه انقلابی.

تزمجاهدین خلق از مبارزه با امپریالیسم حول "تضاد اصلی خلق و امپریالیسم متعصبه انفعالی" آنان از صحنه مبارزه طبقاتی و ملی حاد جاری جامعه گردیده است. آنان دوستان خلقند اما خلق را در این دور

بانه از صفحه ۱

با تاکنون در چنین مناطقی حتی یک شعبه و دفتر هم ایجاد نگردیده ایم... (مجاهد: ما حبه موسی خیا با نیسی) که همواره هرگاه مبارزات ایستادن خلقها شدت میگیرد مجاهدین با صراحت آنرا بیان میدارند نشاندهنده سیاست مماشات و بینش غیر طبقه‌ای است که این دوستان خلق از تضاد های حاکم بر یک جامعه سرمایه داری وابسته و مبارزه با امپریالیسم

یاد دشمن از نظر ما اساساً ایادی امپریالیست ها و بقایای سرسپرده شاه هستند (مجاهد: سیاست سازش و مماشاتی که طی ۱۵ ماه هیئت حاکمه پیش برده اند آنچنانکه "مجاهدین خلق ایران با اعتقادی راسخ ترا همیشه نهایت آمادی خود را برای هماهنگی و همکاری در خطوط ضد امپریالیستی با کلیه مقامات و ارگانهای مسئول به پیشگاه خلق ایران و شخص امام خمینی اعلام

گاهی از مبارزه با امپریالیسم و محتوی اردوگاه خلق باعث میشود که مبارزات خلقها و دفاعی که آنان از حقوق خویش در مقابل آنها جم هیئت حاکمه بعمل میآورند "بمنفع امپریالیستها تمام شود" و راه حلی که مجاهدین برای آن ارائه مینماید یمنی تقاضای تضرع انداز "فرمانده کل قوا" است یا "از محضر مبارک حضرت آیت الله العظمی استعفا دارند که بخاطر رضای خالق و خلق علیرغم

با ندها و دستجات قداره کش و مسلح مومن نمیاندازد، امپریالیسم دیگر صرفاً نیرویی در خارج از مرزهای جغرافیایی، مانع نیست، بلکه در لایه های روابط اجتماعی اقتصادی حاکم، در سیاست عمومی هیئت حاکمه چه بدانند چه ندانند موجودیت دارد. تأکید می‌کند که مجاهدین بروحیت مردم و تعطیل مبارزه طبقاتی و "همکاری با دولت حاضر" را در این مبارزه مینمایند یکی از نتایجش همانست که

مجاهدین خلق و مسئله خلقها

دارند. آنان معتقدند که در جامعه ما یک "تضاد اصلی بین خلق و امپریالیسم" وجود داشته و سایر تضادها از آن جمله از آن جمله تضاد خلقها با هیئت حاکمه برای حل مسئله ملیت است. یست فرعی بنا بر این دامنه زدن به این تضادها یعنی گسترش مبارزه طبقاتی و ملی خلقها میبایست تعطیل شده تا مبارزه با امپریالیسم به همراه هیئت حاکمه پیش رود. مثلاً وقتی صحبت از مبارزه با امپریالیسم می‌شود، یعنی اینکه تضاد اصلی خلق، امپریالیسم است پس باید همه مردم یکپارچه علیه آن به مبارزه برخیزند و زمانی که او از پا در نیامده است، وحدت خود را حفظ کنند و به مسائل فرعی دامنه نزنند (مجاهد: ۵۳، تا کید از ما است) به بیان دیگر از آنجا که در مقطع کنونی تاریخ، تضاد بین خلقها و امپریالیسم است نیروهای اجزای و رژیم ها با یستی در اردوی خلق و همراه آنان با امپریالیسم جهانی در نبرد مستقیم باشند (مجاهد: ۴) این نحوه نگرش از یکسو ناشی از شناخت غلط آنرا از ما هیئت حاکمه است که "مجاهد" هیچگاه ما هیئت آنرا مستقیماً روشن ننموده و صرفاً از ارتجاع بومی یا عوامل ارتجاعی صحبت میکنند و اینگونه جایگاهشان را در هیئت حاکمه تعیین نماید. مجاهدین بیگان میدانند که نظم موجود را پذیرفته اند (مجاهد: ۶۳) یا "مجاهدین خلق در مقابل اجرا قانون مطیع اند" (۴۷)

میداریم" (اعلامیه ۵۹/۲/۵) نشانند - هنده نیست که هیئت حاکمه را علی رغم اسناد رنگارنگی که دال بر ما هیئت فدا نقلانی آنست بارها و بارها منتشر مینمایند یک نیروی ضد امپریالیست و در اردوگاه خلق ارزیابی میکنند. از همین روست که ملیشهای خود را دست بسته در اختیار سپاه پاسداران - این بازوی جنایات هیئت حاکمه قرار میدهند تا در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت کنند. از سوی دیگر مجاهدین امپریالیسم را از روابط اجتماعی - اقتصادی جامعه منتزع کرده و از سلطه آن خود بخود مبارزه با آن تصویری ذهنی دارند بطوریکه معتقدند امپریالیسم را باید "تمام و کمال" از میهن برون راند آنگاه به "تضادهای فرعی" که شامل همه تضادهای اجتماعی مگر تضاد خلق و امپریالیسم میشود پرداخت: "ما دایمکه سلطه امپریالیسم را از میهن خودت ما ریشه کن نکرده و به آزادی واقعی و تمام و کمال دست نیافته ایم هیچ حل قاطعی برای تضادهای فرعی و منجمده ما - له ملیتها هم تصور نیست هرگونه پرداختن غیر اصولی به این تضادها طوریکه تضاد اصلی و مساله تمام خلق ایران فراموش شده و بیست تحت الشعاع قرار بگیرد ما لا به خود تبدیل شده و مبارزه ضد امپریالیستی تمام خلق را مختل خواهد نمود" (چه کسی در کردستان پیروز میشود - مجاهد: ۹) چنین دید -

بیماری و ضعف مزاج در اولیست فرصت بنواحی گنبد و خوزستان و بلوچستان قدم رنجه فرموده و مردم داغ دیده ما را در سیر حقایق حقوق ملی خود (اعم از اقتصادی، سیاسی فرهنگی) تسلی بخشیده (پیشنها در مجاهدین خلق "در مورد حل قطعی مساله گنبد و پیشگیری از خسارات آینده خوزستان و بلوچستان ۵۸/۱/۲۱) تجربه پا نژده ما هم مبارزات خلقها و عملکرد هیئت حاکمه و ادامه حاکمیت سیستم سرمایه داری وابسته بر محضه اقتصادی جامعه ما و تلاش هیئت حاکمه برای ترمیم آن نشان داد که مبارزه با امپریالیسم خارج از مبارزات کارگران بر علیه سرمایه و مبارزه خلقها بر علیه ستم ملی و جلوه های دیگر مبارزه ملی و طبقاتی جامعه نیست. امپریالیسم دیگر در چشمان سبز میسیونرهای مذهبی و مشاورین رنگ و وارنگ مستعمرات وجود ندارد. ما دایمکه سیستم سرمایه داری وابسته حاکم است و ما دایمکه کارگران را بجرم مبارزه با این سرمایه به گلوله میبندند یا به زندان میکشاند و ما دایمکه دانشجو یان را بجرم افتخار امپریالیسم و ارتجاع در بیابان بقتل تکل آن در تاریخ دانشگاه ها کشتار میکنند، و ما دایمکه حق خود مختاری خلقها را بر سیمت نمیشناسند و خشیا نه تر - بین شکل ممکن آنرا کشتار میکنند و ما دایمکه حتی یک راهیما بیسی و میتینگ مجاهدین خلق نیز از آنها جم

طی ۱۵ ماه اخیر بر خلقها و حقوق دموکراتیک شان رفته است. تلقی مجاهدین از تضاد مبارزه با امپریالیسم علی رغم اعتقاد به وجود طبقات دال بر ترفی مبارزه طبقاتی و ناتوانی از تضاد بین مبارزه با استعمار خارجی که امروزه دوران آن گذشته است و مبارزه با امپریالیسم در شرایط سلطه جاتی سرمایه مالی است. امپریالیسم دیگر بطور مشخص در مناسبات اجتماعی اقتصادی جامعه حضور دارد و مبارزه با آن از کاتال مظا هر موجودیت آن در این مناسبات میگردد. طبقات اجتماعی در ارتباط با منافع مشخص خود در حوزه معین حیاتی خود میتوانند با امپریالیسم مبارزه کنند. وقتی خلق کرد یا ترکمن برای کسب حقوق ملی خود چنین مبارزه خونینی که هیئت حاکمه بر آن تخیل نموده است بردوش میکشد و دهقان گنبد از حاکمیت بر زمین که روی آن کار نمیکند محروم میمانند، دعوت از آنها به پذیرش نظم موجود بهانه مبارزه با امپریالیسم چه معنایی جز جدا نمودن امپریالیسم از روابط اقتصادی، اجتماعی، سیاست حاکم بر جامعه دارد؟ دعوت توده ها به تبعیت از خطرات آبائی آن پایبندی از این روابط است چگونه مبارزه با امپریالیسم است؟ مجاهدین خلق، خلق را به تبعیت از نیرویی دعوت میکنند که در بقیه در صفحه ۱۱

مرکز برای امپریالیسم و ارتجاع

ضمیمه سیاسی خبری رزمندگان ۱۵

پیک رزمندگان

۱۵ خرداد ۴۲:

پیام خلق!

۱۵ خرداد ۵۹:

خوشه چینی ضد خلق!

انقلابی به قتل و ترور تهدید میشوند میراث خواران قیام ۱۵ خرداد و قیام ۲۲ بهمن، در همان روزهای تاریخی که توده‌ها بر علیه نظام ظلم و استثمار، نظام سرمایه‌داری وابسته قیام کردند، با قریب توده‌ها، در راه تشبیت همان نظام و تصفیّه حساب با نیروهای کمونیست و انقلاب بی گام بر میدارند.

۱۵ خرداد ۴۲، سالروز قیام خونین توده‌ها بر علیه ظلم و استبداد و استثمار بود، و ۱۵ خرداد ۵۹، بسیج توده‌ها بر علیه توده‌ها، بسیج توده‌ها بر علیه نیروهای انقلابی و مبارز بسیج توده‌ها برای ابراز وحدت با جمهوری اسلامی حامی نظام سرمایه‌داری وابسته است!

بقیه در صفحه ۶

امسال، هفدهمین سالگشت قیام خونین یا نژده خرداد را اگر امسال می‌داریم، اما نه همچون سالهای گذشته و حتی نه همچون پارسیال. امسال، سالگره قیام خونین، ۱۵ خرداد، مصادف است با اوج گیری هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی، و در نتیجه، با تهدید و ارباب و فشار هر چه بیشتر هیأت حاکمه بر توده‌ها و نیروهای انقلابی.

اگر مثلاً در سال ۵۵، دانشجویان مبارز، در "پلی تکتیک تهران" یا - نژده خرداد را با یک دقیقه سکوت در سلف سرویس برگزار میکردند، امسال همان دانشگاه با عنوان "سنگسار امپریالیسم شرق و غرب" در روزتای ریخی ۱۵ خرداد برای مدت نامحدودی بسته میشود و دانشجویان مبارز و

درباره دومین کنگره شوراهای اسلامی

مبارزه کارگران علیه سرمایه‌داران بعد از قیام و روشن شدن نقش شوراهای کارخانه و در مبارزات کارگران موجب گشت که دولت نتواند شوراها را درهم شکند و شوراها برقرار ماندند. اما هیئت حاکمه برای خنثی کردن مبارزاتی که از طریق شوراها امکان پذیر بود به حیل دیگری دست زد و آن نفوذ و در دست گرفتن شوراها توسط حزب جمهوری اسلامی و هدایت آن تحت نظرات حزب فراگیر حاکم بود.

شیوه‌ای که هیأت حاکمه و حزب جمهوری اسلامی بدان دست زده‌اند شیوه‌ای است که بورژوازی در سراسر جهان از آن بسیار استفاده نموده است، بورژوازی همواره برای حفظ خود و جلوگیری از رشد مبارزات از دست خود و سرکوب و فریب استفاده میکند و در دست گرفتن رهبری مبارزات کارگران و ارگانهای مبارزاتی طبقه

بقیه در صفحه ۲

دومین کنگره "سراسری شوراهای اسلامی کارگران ایران" در روز جمعه ۱۵ خرداد با شرکت ۴۳۰ نماینده شوراهای اسلامی کارگران سراسر کشور در اصفهان برگزار شد و با یک قطع نامه ۱۶ ماده‌ای و با طرح پیشنهادی قانون کار به کار خود پایان داد.

اولین کنگره در مسجد الجواد تهران برگزار شده بود که در آن علیرغم تمامی تلاشهای حزب جمهوری اسلامی و توطئه‌های آنان، کارگران توانستند تا حدی درباره خواسته‌های خود صحبت کنند.

دولت از همان ابتدای بعد از قیام شوراها را که در جریان مبارزه کارگران و زحمتکشان علیه رژیم شاه بوجود آمده بود غیر قانونی اعلام کرد و فروهر و روزیرکا ردوران بازرگان از لزوم نابودی شورا و تشکیل سندیکا که البته منظورشان سندیکاهای زربودن می‌گفت ولی ادا می‌

■ اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، بیماریهای دایمی جامعه سرمایه‌داری!

■ نگاهی به افزایش حداقل حقوق کارگران.

■ کوشش‌های تازه برای رهایی گروگانها.

■ خودسوزی یک کارگر زحمتکش، نمایش جنایتکارانه نظام سرمایه‌داری وابسته!

■ از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

■ عمال رژیم چگونه از بمب‌گذارها بهره‌برداری می‌کنند؟!

■ قول "شرف" یا سداران!

■ مبارزه کارگران برای آزادی نمایندگان شورای شرکت نفت

■ نظام پوسیده سرمایه‌داری وابسته و مسئله گرانی.

■ ۴۰ ساعت کار در هفته در کارخانه "نوافرم".

درباره دومین کنگره شوراهای اسلامی

کارگری یکی از این موازین است. بورژوازی در هر لباسی و گاه در لباس حزبی که خود را طرفدار طبقه کارگر نشان می‌دهند، هر چه می‌شود و مبارزات طبقه کارگر را تخفیف داده و منحرف می‌کند.

احزاب بسویال دمکرات در اروپا و آمریکا که بسیاری از آنها از دولتهای امپریالیستی هم کمک مالی دریافت می‌کردند، بعنوان حمایت از طبقه کارگر در واقع آب به آسیاب بورژوازی ریخته و با محدود کردن خواستههای طبقه کارگر و نگه داشتن آن در حد مبارزات صنفی در خدمت بورژوازی بودند.

بعد از قیام، در ایران نیز احزاب و سازمانهای مختلف بورژوازی کمونیستی و انقلابی سعی بسیار در به دست گرفتن رهبری مبارزات طبقه کارگر نمودند. سازمانها و احزاب بورژوازی چه در هیأت حاکمه و با نام اسلام چون حزب جمهوری اسلامی و چه با نام مارکسیسم چون حزب توده و حزب رنجبران هدفشان از این کار دقیقاً جلوگیری از رشد روزافزون خواستهها، آگاهی و مبارزه جویی کارگران بوده است. از سوی دیگر سازمانها و گروههای کمونیستی و انقلابی دقیقاً در خدمت کارگران و به منظور رشد و هدایت مبارزه طبقه کارگر و آگاهی دادن و متحد نمودن کارگران فعالیت نموده اند.

در این میان حزب جمهوری اسلامی اولاً به علت امکانات فساد و ثروتمندی و کمکی که از سوی تمامی ارکانهای دولتی بدان شده است و ثانیاً به علت توهمی که کارگران نسبت به دولت جمهوری اسلامی و حزب جمهوری اسلامی داشته اند، توانست شوراهای زیادی را تحت نفوذ خود درآورده و کنگره شوراهای اسلامی تشکیل دهد. در این کنگره که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی برگزار شده و از طرف وزارت کار و هیأت حاکمه پشتیبانی میشود، شوراهای اسلامی سراسر کشور را جمع کرده و قطع نامه هایی تصویب شده و مسائلی طرح میشود.

به این ترتیب هیأت حاکمه که از همان ابتدا با گفتن "کارفرما، کارگر نداریم، همه با هم برادرند" همه مردم کارگر را "سعی داشتند" هویت مستقل طبقه کارگر را انقضا کنند. اکنون به راه دیگری توسل جسته و سعی میکنند با درست گرفتن رهبری مبارزات طبقه کارگر مبارزه طبقه کارگر را تخفیف داده و هر چه بیشتر از زور در روی کارگران و سرکارها و آگاه و متحد شدن طبقه کارگر جلوگیری کنند.

اما رشد مبارزه طبقه کارگر و میزان آگاهی کارگران رتبه های دوران انقلاب و همچنین فشارهای شدید نظام سرمایه داری و استعمار زدن کارگران اجازه نمیدهد که حزب جمهوری اسلامی و همچنین دیگر احزاب بورژوازی تمامی خواستههای کارگران را سرکوب کنند و ماحضی در کنگره های زیر رهبری احزاب بورژوازی وایی یعنی کنگره سراسری شوراهای اسلامی هم خواسته های کارگران و اجبار حزب جمهوری اسلامی را به تن دادن به آنها لااقل در حرف مشاهده میکنیم.

قطع نامه کنگره دو قانون کار پیشنهادی و صحبت های کارگران در این جلسات همه و همه نشان دهند. این شعارهای منافع کارگران سرمایه داران وسیع دولت در آشتی آنها از یک سو و سطح خواسته های کارگران حتی در زمانی که رهبری مبارزه شان بدست سرمایه داران یا شدرا از سوی دیگر نشان میدهد.

قطع نامه و قانون کار پیشنهادی هر دو از یک سو و با نگرانی حزب جمهوری اسلامی و هیأت حاکمه در افزودن بندهای مطلوب خود و تصویب رساندن آن توسط شوراهای کارگری از یک سو و مبارزه کارگران برای گنجاندن خواسته های عینی خود از سوی دیگر می باشد. نشان میدهد که کارگران اگر چه نسبت به هیأت حاکمه متوهم میباشند اما تحت فشار و عینیت زندگی خود نمیتوانند از خواسته های فوری خود بگذرند و هیأت حاکمه را محبور میکنند که لااقل در

حرف خواسته های آنها را نیز در قطع نامه بگنجاند.

بند ۱ قطع نامه حاوی پشتیبانی بی دریغ از "مجلس شورای اسلامی و رئیس جمهوری است" یعنی حاوی پشتیبانی بی دریغ از دو حاکم منافع سرمایه داران. واضح است که منافع واقعی کارگران با پشتیبانی از مجلس شورای اسلامی که چگونگی انتخابات و ترکیب نمایندگانش معلوم است و دفاع از مقام ریاست جمهوری ای که از منافع سرمایه داران دفاع کرده و دست به سرکوب خلقهای قهرمان ایران میزند، منافات دارد. این بند تنها میتواند توسط عوامل جمهوری اسلامی و کارگران فریب خورده آنها را به تکیه بر توهم کارگران به تصویب کلی کارگران برسد.

اما بند دوم قطع نامه خواهان "تدوین قانون کار" است که در تهیه و تدوین آن کارگران مشارکت واقعی داشته باشند و خود نیز قانون کاری به کنگره پیشنهاد میکنند. واضح است که مشارکت واقعی کارگران در تدوین قانون کار نمیتواند مورد قبول حزب جمهوری اسلامی و هیأت حاکمه باشد اما کارگران خواهان آن هستند. شوراهای "مشارکت واقعی" نام میرند و این نشان میدهد که آنها از آن نوع "مشارکت" هایی که رژیم میتواند به آن دست زند مثل آوردن دو کارگر نا آگاه یا خود فروخته در جلسات تدوین قانون کار و بعد تصویب تمامی نظرات خود خبردارند و از هم اکنون بسان مقابله میکنند و حزب جمهوری اسلامی نیز علیرغم میل خود مجبور است برای حفظ رهبری خود و ادامه فریب کاری هایش لااقل در حد صرف آن را بپذیرد.

در بندهای ۴ و ۵ نیز کارگران خواستار روشن شدن وضع مالکیت کارخانه های معارض شده و رسیدگی به اموال سرمایه داران و احیاناً صنایع میگردند و در بند ۱۱ انتظارات و خواسته های مطلوب هیأت حاکمه که دقیقاً در مقابل منافع طبقه کارگر قرار دارد ردیه تصویب میبرد. در این

بندها پشتیبانی بی دریغ از "تأیید الله خلخالی به علت مبارزه با مواد مخدر" و حمایت بی دریغ از "نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب" توسط کنگره شوراهای به تصویب میرسد.

اما آیا کارگران میتوانند از ارتش و پاسداران پشتیبانی کنند؟ آیا کارگران که در هر حرکت مبارزاتی خود بلافاصله با ما موران کفایت و پاسدار و روبرو میشوند و توسط آنها سرکوب میگردند میتوانند از پاسداران حمایت کنند؟ ارتش که فرما ندهان آن را همان تیمسارهای شاهنشاهی و آمریکایی تشکیل میدهد میتوانند در حمایت از کارگران باشد؟ واضح است تنها کارگران متوهمی که حزب جمهوری اسلامی هدایت مبارزات و خواسته های آنها را

در پیش گرفته است میتوانند به این بندها و قطع نامه ها صحنه بگذارند. باز در بندهای ۷ و ۹ کارگران تا حدی خواسته های خود را بیان کرده و خواهان رفع هرگونه تبعیض بین کارگران و کارمندان بخصوص در موضوعات کار و حداقل دستمزد، بیمه، تعطیلات و سایر مزایا میگردند. حزب جمهوری اسلامی و هیأت حاکمه در چنین شرایطی از رشد مبارزه کارگران و رودر روی هر روزه کارگران با سرمایه داران در کنار روشهای سرکوب و اخراج کارگران فرستادن پاسدار به کارخانه به حیل قدیمی سرمایه داران یعنی درست گرفتن رهبری مبارزات کارگران دست میزنند و در این راه حتی به بعضی از خواسته های کارگران تن نیز میدهند.

اما وظیفه کارگران آگاه و مبارز در در کارخانه ای که این شورها بر آن تسلط دارند نفوذ در این شورا، شرکت در این کنگره ها به منظور آشنایی و شکایت این شورها با سرمایه داران وسیع در ایجاد شوراهای واقعی کارگران در کارخانه ها می باشد و در کنار آن وظیفه شوراهای واقعی کارگران افشای این شورها و رهبری آنها و تأیید لزوم تشکیل شوراهای واقعی می باشد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

عمال رژیم چگونه از بمب گذاریها بهره برداری می کنند؟!

بی از اعمال ضد کارگری و جناحیتکا -
را نه کارفرمایان یا ساختمان و پلاها -
بی که به سرکارگران آمده بود، همه را
حتی مردمی که از آن محل عبور میکرد
دندرا به بحث و گوش کردن جزئیها ی
خود کشتا نده بود.

اما این وضع زیاد طول نکشید
و بزودی سروکله یاساران و بیگ
سرهنگ پیدا شد. یاساران و سرهنگ
کارگران را پراکنده کرده و یکی از
کارگران را دستگیر میکنند. آنها
برای اینکه مبارزات کارگران را
دگرگون جلوه دهند شایع میکنند که
در با سازیم گذاشته اند و با این
دورغ کثیف سعی میکنند اعمال ضد
کارگری خود را پیو شانند و از طرف
دیگر عوامل کارفرمایان، وفرب
خوردگان، به تبلیغات وسیعی بر
علیه کارگران مبارز و سدیگ
دست زده و سعی در بهی راه کشتا ن
مبارزات کارگران دارند.

روز ۴ خرداد کارگران پلاکارد ی
را جلوسا ختمان پلاکوا واقع در چهار
راه اسلامبول بلند میکنند. بیسن
کارگران سوتا سرا ختمان که به
۳۵۰ نفر میرسند جنب و جوش راه میا -
فتند و در تمام طبقات با زاری بحث گرم
میشود کارگران از یکسو و کارفرمایان
و عوامل کارفرمایان از سوی دیگر،
به جروب بحث میپردازند. کارفرمایان
سعی میکنند کارگران را پراکنده
کنند، اما کاری از پیش نمیرند. در
این میان کارگری که از روز قبل از
کارگاهی در همان ساختمان اخراج
شده بود و تمام کارفرمایان و سرمایه
داران آن محل را مشتاخت دست به
افشا گری زد، او با آوردن مثالها -

جلوی سینما اروپا که محل تجمع
کارگران بیکار است و جلوسا زار
پا چنار، این عمل با استقبال
دیگر کارگران خطاطاغل، یعنی
کارگرانی که اخراجشان را جلو
چشمشان و درآینده ای نزدیک میدید
ند، روبرو شد. اما کارفرمایان هم
بیکار نشستنند و در پا چنار به کمک
تاجرهای بازاری به کارگران حمله
کرده و با شاع معروف حزب فقط حزب
الله، کارگران را ضد انقلابی معرفی
میکند و در جلوسا سازشان نیز به
کمک فروشگا، داران و درحالی که
حدود ۵۰ نفر را جمع کرده بودند با
رگران درگیر میشوند و کارگران را
مجبور به ترک آن محل میکنند.

کارگران بیکار و اخراجی خطاط
در اعتراض به بسته شدن کارگاه ها -
یشان مبارزه وسیعی را علیه کارفر-
مایان آغاز کرده اند این کارگران
که قبل از عهد به خاطر گرمی بازار
روزی ۱۸ ساعت کار کرده و سودشاری
نصیب کارفرمایان خود میکردند -
بعد از عهد به خاطر کساد بودن بازار و
عدم اطمینان سرمایه داران به فر-
وش کالاهایشان با درهای بسته کار-
گاههایشان روبرو میشوند.

اما کارگران به کمک سدیگ
مبارزه متشکلی را علیه این اقدام
جناحیتکارانه سرمایه داران آغاز
میکند، آنها پلاکاردهایی که در آن
وضع شان را شرح داده بودند تهریه
کردند و در جلوسا ختمانها و با سازهایی
که کارگران زیادی در آنجا مشغول به
کار هستند و بزان میگردند بمش
ساختمان پلاکوا، با سازشان نیز

نگاهی به افزایش حداقل حقوق کارگران

بیکاری که وجود دارد هر کارگری مد-
ایش درآید یا اخراج میشود و با کار-
فرما با تعطیل کارگاهش همه را از کار
بیکار میکند مگر بسته شدن کارگاه
"قافاها" در همین دوسه هفته گذشته
به دلیل اعتراض کارگران به
وضع بد زندگی شان نبود و امروز مگر
خود سوزی یک کارگر کاشی کار که
دستش هم به جایی بند نیست به دلیل
کمی حقوق وی بهره بودن از بیمه
شده است.

رژیم با این افزایش حقوق های
بخور و نمیر که وضع زندگی کسی را
بهتر نمیکند، میخواهد مقابل مبارزه
کارگران برای افزایش دستمزدها
بایستد. به این صورت که با افزایش
دستمزد کارگران به میزان ناچیز
در مقابل هرا اعتراض کارگران به
کمی حقوق کارفرمایان دم از افزایش
حقوق توسط وزارت کار و جریانات
ت رابه آنجا و گذار میکنند اما در شک
ره های آینده در مورد حداقل دستمز
و نحوه تعیین آن معالهای خواهیم
داشت.

به ۶۷۵ یعنی مثلاً از ماهی ۱۷۰۰
تومان به ۲۰۰۰ تومان برسد با این
۳۰۰ تومان اضافی در مقابل آن اغیز
ایش قیمت هیچ کار - آری هیچ کار -
نمیتواند بکند، یک محاسبه سرانگشتی
این را به همه نشان میدهد!

ما میگوئیم این افزایش حقوق
تاثیری در وضع بد کارگران ندارد.
وضع کارگران و زحمتکشان روز به روز
بدتر میشود و آنها مجبورند هر روز غذ-
ای کمتری مصرف کنند و از چیزهای
بیشتری چشم پوشی کنند. تازه این
قانون مربوط به کارگران کارخا -
نه های بزرگ و کارگاههای بزرگ و
رسمی است. دهها هزار کارگاه و کار-
خانه و کارپیمانکاری وجود دارد که در
آنها حتی از اجزای همین قوانین
دولتی هم خبری نیست کارگاههایی
که یا کارفرمایان آن اصلاً از این
قانون خبر ندارند، یا شامل حالشان
نمیشود و یا کارفرما به هیچ وجه حاضر
به دادن این حقوق هم نیست و با این

میشود که میگوید قیمت ها ۱۲٪ خافه
شده است؟

مردمی که هر روز برای خرید ماک
بحتاج زندگی خود به بازار میروند
آیا میتوانند این را باور کنند؟ هر
کدام از ما میتوانیم از چندین قلم
جنس مثال بزنیم که قیمتش ۲ تا ۳
برابر شده است. قیمت میوه که سرسام
آور است بسیاری از مواد که اصلاً
گیر نمیآید، ماست و شیر و پنیر هم که
قیمتشان شصت و هفتاد درصد بالا رفته
پس این رقم ۱۲٪ زکجا درآمده است؟
شاید اولیای امور از طریق مذاکره
با حضرات سرمایه داران، احتساب
سود آنان به این نتیجه رسیده اند که
هزینه های زندگی ۱۲٪ افزایش
داشته و بنا بر این اگر ده تومان
و هشت ریال به مزد کارگران اضافه
کنند، آنها دیگر غصه ای نخواهند
داشت!!

ما میگوئیم با این افزایش
قیمت ها اگر حقوق یک کارگر از ۵۶۲

معاون اشتغال و بهروری
وزارت کار و امور اجتماعی اعلام
کرده که "با مطالعاتی که روی قیمت
کالاها ی مورد مصرف و ضروری کارگر-
ان انجام گرفت و نظریه ی پنگه افز-
یش قیمت در سال گذشته در مجموع
چندان زیاد نبوده، حداقل میزان
دستمزد کارگران از ۶۷۲ ریال به ۶۳۵
ریال رسیده است و علاوه بر این بطور
ثابت ۹۰ ریال به عنوان پاییه
سنوات دستمزد کارگران اضافه میشود
یعنی حقوق کارگران ۸۰۸ ریال ده
تومان و هشت زار خافه شده است.

اما آیا این افزایش دستمز
وضع زندگی کارگران را بهتر
میکند؟ آیا این افزایش دستمز
میتواند باعث شود که کارگران کمتر
بیش زن و بچه های شان بخل شوند؟ آیا
این افزایش دستمز میتواند دردی از
دردهای کارگران را درمان کند؟
ما میگوییم نه! دولت میگوید
افزایش قیمت چندان زیاد نبوده هر
جنسی ۱۲٪ گران شد، یعنی قیمت یک
جنس ۲۰۰ ریال به ۱۲۲ ریال و یک
جنس ۲۰۰ ریالی به ۲۲۴ ریال افزایش
یافته است. آیا دولت برای محاسبه
تشرمل و اسطرلاب میاندازد؟ آیا به
معجزه کارکنان بانک مرکزی متوسل

۴۰ ساعت کار در کارخانه "نوافرم"

تشکیل داده اند و مصمم اند تا یک ماه
دیگر حقوق نگیرند مگر آنکه به حقو -
قتان اضافه شود. مبلغ صندوق اعتقا
ظرف ۷۰۰ روزه مقدار قابل توجهی
رسیده است کارگران نوافرم که
تجربه سالها مبارزه کارگران ایران
را بر دوش میکشند با این روشها،
توانایی خویش را برای مقابله با
کارفرما نشان داده اند.

وزارت کار نوشته اند و در آن تمام
استدلالهای مدیر عامل را رد کرده اند
کارگران از گرفتن حقوق بمیزار
قبلی امتناع کرده و صندوق اعتصاب

اعلامیه ای رسمی از کارگران درخول
ست کرده است که با این طرح خواسته
ها، مشکلی به مشکلات دولت اضافه
نکنند. فعلاً کارگران نامه ای
در رد اعلامیه مدیر عامل و خطاب به

مزدبیک به ده هفته است که کارگر-
ان کارخانه نوافرم قانون ه ساعت
کار در هفته را بدست توانای خویش
به اجرا گذاشته اند آنها همچنین
خواستار افزایش حقوق به میزان ۳۰
تومان در روز و کمک به تعاونی کار -
گران به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ تومان میباش
شند. مدیر عامل کارخانه زربانیسی
که بخشی از سهام را نیز دارد با این
خواستها بدست مخالفت کرده و طوسی

بقیہ در صفحہ ۶

اعتیاد و قاچاق مواد مخدر بیماریهای دائمی جامعه سرمایه داری!

میبود؟ آیا کارگران مبارز ایران در بین یکسال ونیم بازهم بیشتر از گذشته درک نکرده اند که سوداگر فرما چیزی نیست مگر نتیجه دسترنج آنها؟ آیا کسانی که سرمایه هایشان را در فعالیت های ساختمانی، باخرید و فروش زمین و یا تجارت کالاها و مصرفی بکار می اندازند، جز غارت دسترنج زحمتکشان، محل درآمد دیگری هم دارند؟ آیا تا بحال شنیده اید که یک سرمایه دار بر اثر نصیحت و یا طرعايت "اخلاق" دست از استثمار و غارت زحمتکشان بردارد و از خیر سرمایه هايش بگذرد؟ اینهم دلیل است که ما میگوئیم این زالوهای اجتماع را نمی شود نصیحت کرد که در بعضی جاها سرمایه گذاری بکنند و در بعضی جاها نکنند، بخصوص درجا مع سرمایه دار که زمینه های فرهنگی و اجتماعی مساعدی برای میل به اعتیاد در میان جوانان وجود دارد و همواره بخشی از سرمایه ها برای رفتن به سمت این بازار پر رونق، آمادگی پیدا میکنند. حالا اگر یکی از این کجوها مت های سرمایه داری از نصیحت دست برداشته و با اعدام این بخش از سرمایه داران بخواهد آنها را بترساند، حداکثرش اینست که تعدادی از سرمایه داران از این بازار پر رونق ولی پردر دسترسند و بی طرفش نروند، اما این مسلم است که در هر حوزه ای که سود در کار باشد، فقط سرمایه هم بطرفش خواهد رفت. چرا دولت جمهوری اسلامی قادر نخواهد بود که اعتبار در درجا مع ریشه کن کند؟ و اما در مورد نکته دوم، کمیونیت ها همواره گفته ایم و همواره نیز تکرار خواهیم کرد که علت کلیه نابسامانی های جامعه ما، نظام سرمایه داری وابسته است و نه چیز دیگر، و در این چند مدت بعد از قیام، بارها و بارها کوشیده ایم که نشان دهیم چگونه حکومت جمهوری، سیستم سرمایه داری وابسته را حفظ میکند. اگر غیر از این بود رژیم جمهوری اسلامی در زمینه های دیگر و بعضی بعد از ایلانیا، اگر تریسای و هروئین در عرض چند ماه تری را از کار می اندازد و کارگردانان را از این راه مردمی طولانی سر میسار و فرستاده میکند.

و سرمایه داران نمیتوانند به "اخلاق زحمتکشان" متکی باشند. آنها کسی که سرمایه اش را در کارخانه بکار می اندازد، سود ترا فتمندانه

خود مسئله مواد مخدر را برای همیشه حل خواهند کرد. اما ما معتقدیم که چنین نخواهد شد و با توجه به واکنش با کد لانه مردم در حمایت از این اقدام (اقدامات مشابه دیگر مثلاً در مورد سازه های گرافیکی، لازم است نشان دهیم که این کارها اساساً عادی نخواهد بود و هر چه ممکن است در نهایت آنها را چنان کاسته شود که در نهایت بهتر است که به خود را با تکرار این دو نکته دنبال کنیم که اولاً قاچاقچیان مواد مخدر در واقع بخشی از سرمایه داران این ملت هستند که با به میل خود سرمایه خویش را در این راه بکار انداخته اند و دوماً حکومت جمهوری اسلامی بنا بر ما پیش چون نمیخواهد و نمیتواند سرمایه داران "طرف نشود" بهیچوجه با اعدام مواد مخدر را ریشه کن کند.

در مورد نکته اول متکی است مددای بگوشه که این "بخط بی از سرمایه داران" اینست سرمایه سه خواهر برای دیگری بکار اندازند که موجب بیداری بخشی برای خواستار سلب سرمایه شود. جسم کانی سرمایه که به هم توجه میکنند که سرمایه داران هر که میخواهد باشد و در حال ضمن سرمایه است. فقط در بعضی رشته های سرمایه گذاری، بدبختی که از این سرمایه ها نصیب

سرمایه داری وابسته و قطع دست سرمایه داران از کلیه رشته ها و صنایع سودآور از جمله خرید و فروش مواد مخدر است، و تنها این راه خواست کارگران و زحمتکشان ما را در مورد قطع کامل و ریشه کن شدن اعتیاد پاسخ میگوید.

اما حکومت جمهوری اسلامی در یکسال ونیم گذشته، بارها و بارها ثابت کرده است که سرمایه های برحق زحمتکشان میهنمان نمیخواهد و نمیتواند جواب دهد، زیرا این حکومت با مصالح حامی مستضعفان در عمل همواره حامی سرمایه داران و حافظ نظام سرمایه داری بوده است و درست بدین علت است که ما میگوئیم وقتی حکومتی نخواست و نتوانست که با کل نظام سرمایه داری وابسته و با کل طبقه سرمایه دار مقابله حساب کند، هر چه نخواهد و با نسبت که با بخشی از آنها بطور فاعل مبارزه کرده و بکلی نابودشان سازد.

آیا اعدای اصلی طبقه ای با زورگانان مواد مخدر را سود خواران دیگر ما عقیده داریم که اعدای سرمایه داری که با این کالای سمی که آفرین تجارت میکنند و غارت میکنند نیست. حتی اعتقاد داریم که اگر کار به همین منوال هم پیش رود، بی شک تعداد کسانی که در این راه سرمایه گذاری میکنند بسیار کم میشود.

شده و مسلماً جوانان کمتری بسایم اعتبار خواهند افتاد. درحقیقت اگر حکومت و بخصوص خلخال همین ادعا را میگردند و بویژه اگر توفیق و تقاضای مردم ما هم همینطور شود، آنوقت دیگر جایی برای بحث وجود نداشت. اما متکلاً از آنجا آغاز میشود که گردانندگان رژیم، متسل تمام موارد دیگر با عوام قریبی اعلام میکنند که اینها را با قاطعیت

جندی است که با انتصاب خلخال در اسازمان مبارزه با مواد مخدر، مسئله معتادین و قاچاق تریاک و هروئین، به یکی از مسائل پیرامون روز تبدیل شده است. در این میان حکومت به تبلیغات دامنه داری در مورد این عمل و خلخال لی دست زده تا از این طریق هم خود را انقلابی و در حال مبارزه با فساد نشان دهد و هم جنایات خلخال را که دیگر میان همه به جلال خلق کرد معترف گشته بود پرده پوشی کند.

و از سوی دیگر مردم که مشتاقانه آرزوی تغییرات بنیادی از سوی رژیم جدید بوده و هستند و تاکنون خبری از آن ندیده اند، به حمایت صادقانه ای از هر نوع اقدام نتوانم با قاطعیت در مقابل ریشه های فساد رژیم گذشته برخاسته اند.

در این که زحمتکشان میهن ما، در مقابل فاجعه گسترش اعتیاد در جامعه و قربانی شدن جوانان بیرومندان و مملکت دست سوداگران مواد مخدر، بشدت در رنج و عذابند، هیچ کس تردیدی ندارد، بیشک نا بسامانیهای فراوان اجتماعی همچون بیکاری، تورم، گرانی، مشکل مسکن، نداشتن امنیت اجتماعی و روانی و ناامیدی درقبال عوارض اجتماع با پذیري چون فقر محرومیت بی عدالتی و غیره در جامعه ای با نظام پوسیده سرمایه داری وابسته، از مهمترین عوامل هستند که زمینه روحی مساعدی برای رشد اعتیاد و بازماندگی برای بازگشتان مواد مخدر فراهم میکنند. ضمن اینکه در بسیاری موارد، حکومت های سرمایه داری خود در رواج اعتیاد به اشکال غیر مستقیم به تشویق جوانان میپردازند.

و از همین روست که برای از میان برداشتن این زمینه مساعد و نیز این بازار مناسب چاره ای جز نابودی این نظام پوسیده وجود ندارد. اما در عین حال، و تا پیش از پیروزی در چنان مبارزه ای، باید به این نکته توجه کرد که مواد مخدر به مثابه کالایی که در بازار بفروش میرسد توسط بخشی از سرمایه داران تولید و توزیع میگردد و بخشی از سرمایه داران با سرمایه گذاری در این رشته و خرید و فروش مواد مخدر سودهای کلان میبرند. واضح است که با این حساب مبارزه قاطع و اصولی با این خرید و فروش و جلوگیری از اعتیاد تنها با نبودی نظام سرمایه



مردم بهیچوجه خود را نشان میدهند و بعضی بعد از ایلانیا، اگر تریسای و هروئین در عرض چند ماه تری را از کار می اندازد و کارگردانان را از این راه مردمی طولانی سر میسار و فرستاده میکند.

و سرمایه داران نمیتوانند به "اخلاق زحمتکشان" متکی باشند. آنها کسی که سرمایه اش را در کارخانه بکار می اندازد، سود ترا فتمندانه

شده و مسلماً جوانان کمتری بسایم اعتبار خواهند افتاد. درحقیقت اگر حکومت و بخصوص خلخال همین ادعا را میگردند و بویژه اگر توفیق و تقاضای مردم ما هم همینطور شود، آنوقت دیگر جایی برای بحث وجود نداشت. اما متکلاً از آنجا آغاز میشود که گردانندگان رژیم، متسل تمام موارد دیگر با عوام قریبی اعلام میکنند که اینها را با قاطعیت

مبارزه کارگران برای آزادی نمایندگان شورای شرکت نفت

دستگیری اتم از نمایندگان شرکت نفت، با مخالفت ها و مقاومت هایی در بین کارگران این شرکت و سایر نیروها و عناصر آگاه و انقلابی روبرو شده است.

کارگران این شرکت، علاوه بر مقاومت ها و اعتراض ها در این مورد هیأت بیست نفره ای را برای پی گیری امر دستگیری "نمایندگان" به تهران اعزام کردند که این هیأت پس از گذشتن از موانع عبور متعدد، چه در مقابل خانه "امام" و چه در مقابل خانه "احمد خمینی" با دست خالی بازگشته و گزارش کار خود را به کارگران دادند.

در همین جلسه یکی از نمایندگان کارگران گفت: "مسأله ما تنها آزادی این ۴ نفر نیست مسأله برگشت حاکمیت طاغوتیان است و رفتن به زیر سلطه امان مدیران سابق، مسأله ما، شورا است و آنها

جلوی این خواست ما میایستند چون با یگانهای آنها هنوز در اینجا موجود است و از بین نرفته است. ما با این هدف در انقلاب شرکت کردیم که اختلاف طبقاتی از بین نرود و اینک الان ببینیم که نمایندگان ما را سرمایه داران به بند میکشند. شخصی همچون "معین فر" که دارای نشان آریا مهری است، به چه مجوزی برادران ما را به بند کشیده و حتی ملاقاتی هم ندارند. یکی از آنها ماتی که به این ۴ نفر زده اند، با فشاری

در این جلسه اعتراضاتی نسبت به عدم امکان استفاده از چاپخانه شرکت انجام گرفت و سپس قطعاً میباید شورای کارگران خواننده شد که مورد تأیید همگی قرار گرفت و بعضی از مواد قطعاً مهچنین بود.

آزادی بی قید و شرط نمایندگان استفاده شوراها از امکانات شرکت نفت، جلوگیری از برچیدن شوراها و ...

در پایان کارگران از خیابان پاگاه آباد تا میدان تابیم رستان بهمنشیر دست به تظاهرات و راهپیمایی زدند.

شعارهایی از این قبیل میدادند که:

زندانی سیاسی، آزاد باید گردد
وزیر غشورا، اعدا میاید گردد
زحمتکش را تعاد، تعاد
شورا، شورا، سنگرزحمتکشان ●

کی بر مردم، فقر، بیکاری، کمبود مسکن و فشارهای سیاسی، و زورگیری های ما موران کمیته روزبه روز بیشتر توده ها را در مقابل هیأت حاکمه قرار میدهد. و عدم توانایی رژیم را با سخگویی به مشکلات مردم ورشدد روز افزون فشارهای اقتصادی و سیاسی وارد به مردم چشم انداز گسترش هر چه بیشتر مبارزات توده ها را علیه سیستم موجود در مقابل ما عیان میسازد.

این مبارزات با بدتحت رهبری طبقه کارگر به کسب قدرت سیاسی توسط توده ها منجر گردد. و مشکل گرانی را در کنار هزاران مشکل دیگر طبقه کارگر حل نماید ●

بقیه از صفحه ۵

مواد مخدر نیز با شناختی که ما از حکومت جمهوری اسلامی داریم معتقدیم که اگرچه کشتار اقتصادی قاچاقچی میتواند بعضی از آنها را بترساند اما این کار دست بردارنده اما هرگز قادر نخواهد بود مسأله اعتیاد را ریشه کن کند، و در این مورد نیز چون تمامی دیگر موارد همیات حاکمه ثابت خواهد کرد که هرگز نمیخواهد و نمیتواند تنها زهای واقعی زحمتکشان را برابر آورده کند و هر چه بیشتر نشان خواهد داد که رفیع خواستهای کارگران و زحمتکشان تنها با درست گرفتن امور توسط خود آنها با تأیید کردن ریشه سرما به داری و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق امکان پذیر است ●

آنها روی تعطیل هشتم است. آیا مبارزه برای تعطیلی روز هشتم جرم است؟

این نماینده با این جمله صحبت های خود را تمام کرد: "حرف ما کارگران این است که چنین بخشنامه هایی را بصورت مادرکنندگان آن میگویم" (اشاره به بخشنامه ای که توسط معین فر صادر شده و شورا را زیر سؤال کشیده و اجازه استفاده از چاپخانه را از آنها گرفته و ...)

میکردند و وضع شهرستندج نمونه بسیار کوچکی از چگونگی بخورد خود مردم به مشکلات است شاید هر یک از ما بتوانیم در طول قیام دهها مثال از این دست بزنیم.

اما پس از قیام با وجود آنکه مردم حکومت را از خودشان میدانستند اما بزودی حس کردند که راه دولت راهی نیست که آنها میخواهند و دیدند که وضع زندگیشان نه تنها بهتر نشده بلکه فشارهای زندگی بیشتر هم شده است دیدند که راه حل های دولت و نظریاتی پنی مدرنی پس از دیگری نادرستی و عدم توانایی خود را در پاسخ به مشکل نشان میدهند و اکنون دیگر مردم کمتر چشم امید به راه حل های رژیم دارند، از سوی دیگر فشارهای زند-

اعتیاد و قاچاق

بخش مهمی از علت این گرانی بخاطر "سود" فراوانی نیست که جیب بازرگانان بزرگ را پر میکند؟ آیا دولت جز نصیحت کردن به "آنها" کار دیگری کرده است؟

و آیا هر کس نمیتواند مثال های فراوانی در این زمینه بزند؟ و درست بدلیل وجود همین مثالهاست که ما قادر خواهیم بود به زحمتکشان نشان دهیم که علیرغم اینکه خواست آنها در مورد حل مشکلات زندگی بر مشقتکشان بسیار ضروری و برحق است اما هیأت حاکمه جمهوری اسلامی نخواهد توانست آنها را حل کند.

در مورد برخورد قاطع به جریانی

بقیه از صفحه ۴

کردستان شاید ناقصی از روال بطور مسایات مردم درآینده باشد. در زمان محاصره اقتصادی کردستان و بخصوص شهرستندج توسط شورا هایی که در محلات بوجود آمده بودند جناس کمیا با رابین مردم تقسیم کرده و با قیمت مناسب به مردم زحمتکش شهری می فروختند. و خود مردم بر قیمتها کنترل و نظارت داشتند در شورا ی موسس محلات که همه شوراها را زیر نظر داشت مواد غذایی رسیده به شهر را حساب کرده و به هر خانواده باند ازهای که خود داشتند و احتیاج داشت میدادند و مردم هم متحدانه دست به عمل میزدند و خود را در این عمل شریک بودند از هرگونه احتکار و جمع آوری مواد برای روز مبادا خودداری

نظام پوشیده

تک تک مردم استفاده میکنند، سرمایه های ملت را نه در جهت سود بلکه درست در رشته هایی به کار میاندازد که کارگران و زحمتکشان به تولیدات آن احتیاج داشته باشند هدف دولت قطع کامل وابستگی از امپریالیسم میگرد و در چرخ تولید نه برای سود پیری سرمایه های وابسته به امپریالیسم بلکه بدست توانای خود کارگران و زحمتکشان و برای رفع نیازهای مردم به حرکت در میاید.

اطمینان کارگران و زحمتکشان به حکومت و اهداف آن موجب آن میگردد که از جان و دل کار کنند و در بیاری و کمک به هم در بر خورد به دشواری ها بکوشند. بر خورد مردم به محاصره اقتصادی و کمبود مواد غذایی در

بقیه از صفحه ۱

۱۵ خرداد ۴۲

با رفیع تراژین را در کردستان تکرار میکنند. غافل از آنکه خون شهدای کردستان، ۱۵ خرداد دو ۲۲ بهمن و همه شهدای راه آزادی خلق ایران در یک رود جاریست.

حرمت خون شهدای ۱۵ خرداد را پاس داریم اما نه با بسیج پشت سر شورای انقلاب، بلکه با فشرده تر کردن هر چه بیشتر صفوف خلق در پشت سر طبقه کارگر.

حرمت خون شهدای ۱۵ خرداد فقط با کمک و یاری همه جانبه جنبش مقاومت خلق کرد و همه خلقها ایران امکان پذیر است ●

اگر قیام ۱۵ خرداد ۲۲ برای رهایی از بند استبداد و استعمار بود، اگر برای گسترش آزادیهای اساسی بود، میراث خواران آن قیام ۱۷ سال بعد در همان روز، شهید پست تهدید و اعلامیه دادستانی پشت اعلامیه دادستانی ما در کرده و همه ۲۰ آزادیها را مورد هجوم قرار میدهند. آنها قیام با نژده خردا دو قیام ۲۲ بهمن را گرامی میدارند تا از محتوی تهی سازند. بحال شهدا افسوس میخورند تا خون شهدا را بر پا بدهند!

آنها برای شهدای ۱۵ خرداد "اشک میریزند" اما صحنه هایی دهها

قول 'شرف' پاسداران

عده‌ای از پاسداران کمیته خیابان ری روز چهارشنبه ۱۳ خرداد، بین واردات نشکده تکنوم تهران شده و سعی می‌کنند که یکی از دانشجویان کرد را به دلیل آنکه "پیشمرگه کومه" له "است دستگیر کند. این عمل که توهین به محیط دانشگاه بود و با اعتراض اکثریت دانشجویان روبه‌رو می‌شود و دانشجویان اجازه نمی‌دهند، پاسداران دانشجویی را به پرتاب کردن دانشجویان به پیش‌رئیس دانشگاه و استادان می‌روند و به این عمل اعتراض می‌کنند. و بعد از بحث و گفتگو به این نتیجه می‌رسند که به سبب این دستگیری این دانشجویان مجبور می‌شوند تا توتنی داشته باشند. ولی پاسداران کمیته شهری اصرار می‌کنند که همین حکم بازداشت کمیته خودشان را کافی است. ولی بعلمت اتحادیه کارگری استادان و دانشجویان در کار خود

موفق نشده و مجبور می‌شوند به دنبال مجوز به دادگستری بروند. حدود ساعت ۱۱/۵ شب گروه تحقیق کمیته مرکزی سپاه پاسداران به دانشگاه می‌آید. آنها می‌گویند: آیت الله قدوسی در دادگستری نبوده و ما می‌توانیم دانشجویان را با خودمان ببریم. در این فاصله گروه تحقیق با کمک کمیته شهری عده‌ای از جاقوشت‌ها و لاسین‌های شهری را جمع کرده و جلوس دانشگاه جمع کرده بودند. اما با بازمانده‌ها و استادان روبرو می‌شوند و بعد از گفتگو با هم حرف خورا عوض کرده و می‌گویند: طبق تحقیقات ما ایشان را عوضی گرفته ایم، سوء تفاهمی پیش آمده و این دانشجویان نتواند آزاد باشد. دانشجویان بلافاصله مسوزت جلسه‌ای نوشتند و در آن از پاسداران خواستند که این دانشجویان را آزاد

محل سکونت خود ببرد. ولی پاسداران از امضاء کاغذ خودداری کرده و گفته‌اند ما اجازه چنین کاری را نداریم. بعد از رفتن پاسداران حدود ساعت ۱۲ شب که تعداد زیادی استادان دانشجویی و رئیس دانشگاه در دانشگاه بودند خبر می‌رسد که تمام اطراف دانشگاه چهار راه با افراد کمین و جاقوشت بسته شده است. دانشجویان و استادان تصمیم گرفتند با مقامات دولتی تماس بگیرند و به دفتر ریاست جمهوری تلفن زدند و در جواب به دفتر ریاست جمهوری گفت که ما چند نفر را برای بررسی می‌فرستیم. اما تا ساعت ۱۱ بعد از نیمه شب از آنان خبری نشد. در ساعت ۵/۵ پاسداران کمیته مرکزی دوباره به دانشگاه برگشتند و گفتند شما باید جتما از دانشگاه خارج شوید و ما قتل شرف می‌دهیم که همه شما را سالم به مقصد بزنیم. دانشجویان و استادان تصمیم گرفتند دسته جمعی و با دانشجویی مذکور به طرف خوابگاه بروند. اما

دانشجویان و استادان و رئیس دانشگاه سوار چند ماشین شدند و وارد دانشگاه خارج گشتند و هنوز چند نفری برقیته بودند که حدود ۱۰ الی ۱۱ ماشین و چند موتورسیکلت راه را را برداشته و استادان بستند و با ۳ و ۴ تپاچه و جاقوشت به جان استادان و دانشجویان افتادند و تعداد زیادی از آنها را زخمی کردند. در تمام این مدت پاسداران قول شرف داده‌اند که جریانات بودند و تماشا می‌کردند و بعضی از آنها لباس شخصی جریانات را رهبری می‌کردند. آنها در مقابل فشار مردم که چرا دخالت نمی‌کنید، می‌گفتند آخر نمی‌شود که جلومردم را گرفت! این کارها به ما مربوط نیست! اما با تمام این احوال و بعلمت مقامات یکبارچه و اتحاد دانشجویان و استادان و علیرغم زخمی شدن بسیاری از آنها پاسداران نتوانستند دانشجوی مذکور را دستگیر کنند! و با این اعمال خود تنها بیش از پیش رسوا شدند ●

از اخراج کارگران

بقیه از صفحه ۸

انقلابیون و کارگران مبارز، در مقابل این دسیسه‌ها باید مقاومت خواهند داشت. و با زحمت عناصر و ایستادگی و پیروزی افشاء خواهند کرد از طرف دیگر می‌دانند که کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی و کارگران مبارز نه تنها دسیسه‌های آنها را افشاء خواهند نمود بلکه با آگاه کردن و هدایت کارگران و کارکنان نخواهند گذاشت آن‌ها خوش از گلولی کارفرمایان و دولت‌پایان رود و از این‌روست که کمیته‌ها و کارگران مبارز دست به دست می‌دهند و اخراج می‌شوند و با این کار کارفرمایان به خیال خود، در کارخانه‌ها آرامش را برقرار می‌کنند. آری در سال امنیت در واقع امنیت سرما به داران را تأمین کرده.

هرچند این اعمال، در بسیاری از کارخانه‌ها با مقاومت کارگران روبه‌رو شده و با هوشیاری آنها خنثی می‌شود. اما متأسفانه، بعلمت ناآگاهی بخش‌هایی از کارگران، در باره این کارخانه‌ها، این اخراج‌ها یک کارگران ناآگاه عملی شده است. "گویی" این ضرب‌المثل که

"چاقو دست خویشت را نمی‌برد" اینجاست. مصداق خویشت را از دست داده است. کارگران بر علیه کارگران! رژیم جمهوری، در مبارزه با کمونیست‌ها و انقلابیون، میراث خوا رژیم گذشته است. سال‌ها تا به پراکنی، لجن مالی، و تهمت‌های بی‌شمارانه به کمونیست‌ها، و انقلابیون، از قبیل اینکه، آنها وابسته اند، آنها به مسائل تشکیل خانواده پا پیوسته نیستند و... در ذهن بوده‌ها نقش بسته است و مبلغین رژیم، بخوبی از این مطالب بهره‌بردار می‌کنند. صدها هزار اوراق تبلیغی، سراپا دروغ و فریب در مورد اینکه کمونیست‌ها چه می‌گویند، از طریق عمارت حزب جمهوری اسلامی، در کارخانه‌ها پخش می‌شود و در آنها جملات مسخره‌ای نظیر اینکه "لنین گفته است استثمار رنجیز خویشت!" بخورد کارگران می‌دهند در مدها علامیه، با مقایسه رهبران مذهبی صدام اسلام و با به‌گذاران سوء سیالسم علمی، دست به تحریک احساسات مذهبی زده و اختلاف اساسی خویش را با کمونیست‌ها، بر سر مسائل مذهب و وجود یا عدم وجود خدا، و انبیا

شکنند. این هاجدها تبلیغ دیگر، همراه با توهم بخشی از کارگران نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، باعث شده است که در بعضی از کارخانه‌ها، با فریب کارگران موفق به اخراج کارگران مبارز شوند. این مساله، وظیفه خادو و تاقی را بر گردن رفقای کارگر مبارز و آگاه می‌گذارد تا با افشای این اعمال سنگین ضد کارگری، و با تکیه بر مهمترین تضاد اساسی کمونیست‌ها، با رژیم، که نه بر مذهب، بلکه بر سمنافع کارگران و زحمتکشان است، وظایف سنگین خویش را به انجام برسانند. باید به کارگران کارخانه‌ها فهمانده شود که کمونیست‌ها به عقاید مذهبی دیگران احترام گذاشته و تضاد و اختلاف آنها با رژیم بر سر مذهب و اسلام نیست. و خصومت اصلی آنها با سرما به داران و حامیان آنهاست، حال خواه این سرما به داران، مسلمان، یهودی و یا بنظر که بت‌زگی رایج شده است عضو حزب توده و یا بی‌دین باشند!

باید به کارگران نشان داد که کمونیست‌ها دشمنان کسانی هستند که منافع کارگران و زحمتکشان را زیاده می‌گذارد. با حزب توده و

حزب رنجبران، دوباره سیاسی که در عمل بر ضد منافع طبقه کارگر قدم بر میدارند بعنوان نیروهای ضد انقلاب و ضد خلقی، دشمن هستیم. هر چند که آنها بظاهر خود را مارکسیست قلمداد می‌کنند. باید به کارگران نشان داد که اخراج مبارزین از کارخانه‌ها، سر آغاز سرکوب و سبقت همه کارگران و کوشش در راه تثبیت کامل اوضاع بینفع سرما به داران و جلوگیری از کوچکترین مبارزه و حق‌خواهی کارگران است. باید به کارگران نشان داد که اخراج درست در آنجا هایی صورت گرفته است که کارگران آگاه خواسته اند قدمی در راه مصالح انقلاب و مصالح طبقه کارگر و در اقامت علیه سرما به داران و حکومت حامی آنها بردارند. ما معتقدیم این اقدامات، و این اخراج‌ها بعلمت عینیت مبارزه طبقاتی و بعلمت ناتوانی رژیم در پاسخ گویی به خواسته‌های کارگران و زحمتکشان نمیتواند برای رژیم کار ساز باشد. اما باید در مقابل آن ایستادگی کرده و با افشای مقاصد ضد کارگری رژیم، این توطئه را هر چه زودتر خنثی کرد ●

سرکوب نیروهای انقلابی خدمت به امپریالیسم است!

از اخراج کارگران مبارز جلوگیری کنیم!

به تحریک بخشی از کارگران پرداخته و دست به تصفیه و اخراج کارگران مبارز میزنند و در همان حال، دهها و دهها، مدیر، سرپرست مزدور خود فروخته با واکی را که در جریان انقلاب تصفیه شده اند با تسبیحی در دست و ریشی پر پشت بر صورت، به کارخانه باز میگردند. مثلاً در مجتمع فولاد اهواز، جایی که کارگران مبارز اخراج کرده اند، میهن پس لاهوتی، عامل رژیم گذشته را، با حکم "دولت جمهوری اسلامی" به کارخانه باز میگردانند. میهن پس لاهوتی کسی بوده است که بوسیله کارگران مبارز و همراهی همه، کارگران از کارخانه اخراج شده است. اخراج کارگران مبارز و بازگشت مزدوران و خود فروشان رژیم شاه مکمل یکدیگرند. آنها بخوبی میدانند و تجربه دریافته اند که نیروی و آگاه، کارخانه ها، کمونیست ها و بقیه در صفحه ۷۰

عوامل حزب جمهوری اسلامی، و احزاب و گروه های مشابه اش، در کارخانه ها، با استفاده از ناآگاهی کارگران، با سوء استفاده و تحریک



احساسات مذهبی آنها، و با بهره گیری از همه تبلیغات کثیفی که رژیم شاه لایان دراز، در مورد کمونیست ها و انقلابیون کرده است،

نباخته میشوند، در پالایشگاه آبادان، ۴۰ تن از نمایندگان کارگران بازداشت شده و در زندان به سر میبرند دهها نفر کارگران انقلابی و مبارز دیگر، بجرم پشتیبانی از گروه ها و سازمان های انقلابی، و با پلیس در بین روپای قرون وسطایی تفتیش عقاید، اخراج شده اند و این کارها هر روز ادامه دارد. اینها تازه غیر از اخراج هایی است که کارفرمایان، طبق فرمان قانون سود، انجام داده اند. در کارخانه های نظیر "مانا" کارفرمایان با بیعت کسادی کاردها نفر از کارگران را که با غرق جبین و شیر ه جان خود، سنگ بر سنگ نهاده و این کارخانه های عظیم را ساخته اند، اخراج میکنند. تیغ حمله رژیم، و عوامل دست نشاند و مزدور و یار فربخ خورده اش در کارخانه ها، اینک بر علیه کارگران مبارز و آگاه نشانه رفته است.

اخبار تکیان دهنده ای در مورد اخراج کارگران مبارز، از کارخانه ها میرسد. در کشت و صنعت کازرون ۴۶ نفر بجرم اخلاقی، که در واقع مبارزه برای حقوق حق کارگران و زحمتکشان است اخراج میشوند. این عمل در مورد شرکت هواپیمایی ملی، بتلافی جلوگیری کارکنان این شرکت از بردن اسناد و اسامی آمریکایی صورت میگردد. در فاسترویلر، بجرم درخواست کارگران در ملی کردن شرکت و انشای اسناد قراردادهای اسارت بار، کارگران "قفول" اخراج میشوند. در زامیاده ناظمی، دارو، بخش و تکنیکار و دهها کارخانه دیگر، نمایندگان مبارز و کارکنان آگاه بجرم با فشاری بر "شوراهای واقعی کارگری" و میزبانان در راه حقوق صنفی - سیاسی کارگران، با مهرض انقلاب، از کارخانه بیرون

خودسوزی يك کارگر زحمتکش، نمایش جنایتکارانه سرمایه داری و

زندگی راحت و اشرافی خود را میفروشد و عین خیالش هم نیست. ما میگوئیم فاجعه، خودسوزی کارگر زحمتکش، در حقیقت نقطه پایانی بر یک زندگی مشقت بار و طاقت فرسا است که همه زحمتکشان ایران بخوبی از آن اطلاع دارند و زهر تلخ آنرا زیر دانه های شان مژه مژه میکنند. ما میگوئیم که این فقط کارگران و زحمتکشان هستند که در مقابل این فاجعه و جنایت، وقایع حتمی شما نه، تبلیغات چی های حکومت جمهوری را درباره حاکمیت مستضعفان درک میکنند و عمق این دروغ پردازیها را میفهمند و به همین دلیل است که فقط کارگران و زحمتکشان ما قادر خواهند بود تا افشای این جنایات و نشان دادن تبلیغات سر با دروغ، مفوق طبقه کارگر قهرمان ایران و دیگر زحمتکشان را برای مبارزه با تمام مظاهر نظام سرمایه داری وابسته هر چه بیشتر فشرده تر کنند.

فاجعه ای بحد جدایی از خودسوزی بهای احتمالی آینده زحمتکشان، به مطالبه و بررسی میپردازد و بدو بخشنامه ها و آئین نامه های طاق و جفت ما در میکنند. و دست آخربه این نتیجه میرسد که چون هزینه زندگی فقط ۱۲٪ بالاتر است، پس با اضافه کردن ۱۰۴ ریال به حقوق کارگران، این افزایش هزینه جبران شده و بحمد الله کارگران عزیز ما از این پس هیچ مشکلی نخواهند داشت!! ماروی سخنان با گردانندگان فکل کراواتی وزارت کار نیست که با شکم های سیر و قصد حفظ نظام سرمایه داران به بالا و پایین کردن مزد کارگران میپردازند. ما با کارگران مبارز می حرف داریم که هر روز در میان خود و در میان سایر زحمتکشان ایران، شاهد فقر و مسکنت روز افزونی هستند که زندگی را بشدت بر آنها تنگ کرده است. و این در حالی است که شروتمندان در پالایشگاه جمهوری اسلامی با فراغ بال به

هر روز به نظام سرمایه داری کسارد آنچنان براستخوان زحمتکشان میفشارد که فقط چند کلمه ناچیز، دیگر در اعلام خودسوزی یک کارگر زحمتکش بوسیله بنزین، قا در خواهد بود تا تمام گستره، هولناک آن سرا به نمایش بگذارد. عظمت این فاجعه را علی رغم فضای حقیری که روزنامه ها به آن اختتام داده اند تمام زحمتکشان ایران و بویژه طبقه کارگر قهرمان ایران، با تمامی وجود درک میکنند. و آنرا زخمی التیام نیافتنی بر بیکر خویش و لگه تنگی پاک نشدن بر چهره، کوبه نظام سرمایه داری قلمداد میکند. با این وجود، حکومت سرمایه داران و میرز قلندران های جنایت مکانش با خوشنودی و قبحانهای به این صحنه های رعب آورنگریسته و در عین حفظ منافع و قمار سرمایه دارانه خویش، به رتق و فتق جمیع امور ناچیز مشغولند و با شکبایی

خبر کوتاه و هولناک بود. یک کارگر کاشی کار در دفتر شاه چسراغ شیر از خود را آتش زد. اینبار میزبان بنویسمای حقوق بگیر روزنامه های سازمانده رژیم، در لایلهای محفصات گرانمای روزنامه های خود، ایسه قلم لطف و کرامت، خبر "بی اهمیت" خودسوزی یک کارگر زحمتکش را نیز منعکس کرده بودند. انقلاب اسلامی شنبه ۱۰ خرداد. ما چرا، بخودی خود، به همان اندازه معمولی است که روزنامه ها نوشته اند: "بدینال شکایت چند تن از کارگران کاشیکار در مورد کمسیون حقوق و بی بهره بودن از بیمه که شب پنجشنبه با هیات مناد در میان گذاشتند، این هیات تصمیم گرفت که شکایت کارگران مزبور را به اداره کار ارجاع نماید و طبق تشخیص آن اداره حقوق آنها تعیین و به کار آنها رسیدگی گردد." آری در لایلهای همین سطور خشک و خالی ایست که فاجعه، مکرر جنایات

قطع کامل دستهای خونین امپریالیستها فقط به وسیله کارگران و زحمتکشان امکانپذیر است!